

# الگوی عوامل مؤثر در سیر نگارش‌های علوم قرآن (قرن ۶ تا ۱۰) در قالب نظریه مبنایی\*

- نجمه نجم<sup>۱</sup>
- مهدی مهریزی طرقی<sup>۲</sup>
- محمدعلی مهدوی راد<sup>۳</sup>
- سیدمحمدعلی ایازی<sup>۴</sup>

## چکیده

بررسی حاضر از رویکرد تفسیرگرایی فکری، علمی و اجتماعی به فهم و تحلیل عوامل تأثیرگذار در سیر تطورات نگارش‌های علوم قرآن می‌پردازد. هشت کتاب علوم قرآن در قرن ۶ تا ۱۰ با قید تأثیرگذاری در دوره خود، محل بررسی در

\* تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۹/۱۵ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۰/۸.

۱. دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (n.najm313@yahoo.com).
۲. دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول) (toosi217@gmail.com).
۳. دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث، پردیس فارابی دانشگاه تهران، تهران، ایران (mahdavirad@ut.ac.ir).
۴. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (ayazi1333@gmail.com).

این تحقیق بوده است. از روش اسنادی و تحلیل تاریخی در انجام عملیات تحقیق، و برای تجزیه و تحلیل اطلاعات و ارائه الگوی نهایی، از نظریه مبنایی (GT) استفاده شده است. یافته‌های به دست آمده شامل ۱۸ مقوله در سیر تطور بوده که به تفکیک عوامل با ضریب تأثیر بالا، متوسط و کم بیان شده است. همچنین الگوی نهایی عوامل مؤثر در تطور سیر نگارش‌های علوم قرآن در قالب نظریه مبنایی ارائه شده و اجزاء آن عبارت‌اند از: عوامل علی شامل شخصیت فردی نویسنده، تخصص علمی نویسنده، عوامل فرهنگی اجتماعی دوره نویسنده، هم‌نشینان نویسنده و تأثیرپذیری وی از مصادر و نویسندگان قبل و تأثیرگذاری نویسنده بر مصادر و نویسندگان بعد، هویت و اصالت متن نگارشی - اعم از ساختار، کارکرد و محتوا: عوامل زمینه‌ای مثل شرایط زمان و مکان جغرافیایی، مهاجرت و مسافرت‌های متعدد نویسنده، جامعیت عناوین منبع، قدمت و شهرت نگارش و نویسنده: عوامل میانجی مثل شخصیت اخلاقی نویسنده، عوامل سیاسی و اقتصادی دوره وی، حریت و آزاداندیشی یا تعصب نویسنده. در ضمن راهبردها و پیامدهای حاصل نیز بیان شده است.

**واژگان کلیدی:** علوم قرآن، تحلیل تاریخی، عوامل تأثیرگذار، تطور نگارش‌ها، نظریه مبنایی، قرن ۶ تا ۱۰.

### مقدمه

در بررسی سیر تاریخی منابع علوم قرآن در دوره‌های مختلف، تغییرات ساختاری، کارکردی و حتی محتوایی بوده است. تغییر و تحولات رصدشده در نگاه اول، عمدتاً ناشی از عوامل و عناصر تحول‌زای شخصی در اندیشه، تخصص و مذهب نویسنده و شرایط پیرامونی او از ابعاد مختلف بوده که در بسیاری از موارد، تحت اقتضائات زمانی و مکانی متفاوت رخ داده است. درک و بررسی این تغییر و تحولات و به عبارتی تطور در سیر نگارش‌های منابع علوم قرآن، نیازمند مطالعاتی روشمند با پشتوانه‌های نظری و مبتنی بر اتخاذ رویکردی پارادایمی و منسجم است. مرتبط‌ترین کتاب با دغدغه مذکور، فرهنگ‌نامه علوم قرآن (علوم و تألیفات)<sup>۱</sup> است.

۱. این کتاب، حاصل رساله دکتری ابراهیم اقبال با عنوان «سیر تطور علوم قرآن» بوده که توسط انتشارات امیرکبیر و شرکت چاپ و نشر بین‌الملل در سال ۱۳۸۵ به چاپ رسیده است.

سیر تطور در این کتاب به صورت گزارش تألیفات و تغییرات کمی منعکس شده و از هدف این تحقیق فاصله دارد. کتاب *سیر نگارش های علوم قرآنی* (مهدوی راد، ۱۳۸۴) به گونه ای است که به شکل سخت افزاری، اطلاعات لازم در زمینه سیر نگارش های علوم قرآن را در اختیار جامعه علمی قرار داده است. اما دغدغه این تحقیق، بازکاوی پدیده های تاریخی و تجزیه و تحلیل منابع و نویسندگان در جهت جستجوی عوامل تغییر و تطور در سیر نگارش های علوم قرآن است. این نوع بررسی به گونه ای بخش نرم افزاری این شناخت بوده و طبق جستجوی انجام شده تا کنون بدان پرداخته نشده است. این پژوهش در صدد است به طبقه بندی روشمند عوامل مؤثر در تطور نگارش های مهم علوم قرآن بپردازد.

مطالعه حاضر با رویکردی کیفی و مبتنی بر روش نظریه مبنایی<sup>۱</sup> مدل عوامل تطور را بر اساس داده ها و کدهای به دست آمده از بررسی «مهم ترین منابع قرن ۶ تا ۱۰» به سرانجام می رساند. جمع آوری داده های آن به روش اسنادی بوده و برای تحلیل داده ها از شیوه استراس و کوربین در نظریه مبنایی استفاده شده است. روش نظریه مبنایی را تلاش برای یافتن مدلی دانسته اند که به طور استقرایی از مطالعه موضوع یا پدیده ای به دست می آید. در این روش از طریق گردآوری منظم اطلاعات و تجزیه و تحلیل داده هایی که از موضوع مورد بحث به دست آمده، مدل ارائه و جمع بندی آن صورت می گیرد (ر.ک: استراس و کوربین، ۱۳۸۵: ۲۲). روایی پژوهش حاضر به چند روش کنترل یا اعتباریابی توسط اعضا<sup>۲</sup>، استفاده از تکنیک ممیزی<sup>۳</sup> و زاویه بندی نظری انجام می شود (ر.ک: محسنی تبریزی، ۱۳۹۵: ۲۸۵-۲۸۶). با توجه به اینکه هدف اصلی این مقاله، توسعه نظریه ای در باب فهم عوامل تطور در سیر نگارش های تأثیرگذار علوم قرآن در دوره زمانی سده ۶ تا ۱۰ است، با روش کیفی نظریه مبنایی عوامل مؤثر در تطور در قالب علی، زمینه ای، میانجی، راهبردها و پیامدهای آن بیان می گردد (ر.ک: همان: ۱۳۴-۱۵۰: ابوالمعالی، ۱۳۹۱: ۳۷۶-۴۰۸: محمدپور، ۱۳۹۱: ۱/۳۱۴-۳۴۲).

1. Grounded theory.
2. Member check.
3. Auditing.

بدین ترتیب سؤالات این مقاله عبارت‌اند از: عوامل مؤثر و غیر مؤثر در سیر نگارش‌های علوم قرآن قرن ۶ تا ۱۰ کدام‌اند؟ طبقه‌بندی و الگوی عوامل مؤثر در سیر تطور نگارش‌ها، در قالب چه نظریه‌ای قابل ارائه است؟

سیر این مقاله به شرح زیر است:

- گزینش منابع تأثیرگذار قرن ۶ تا ۱۰ با توجه به شاخص‌های اولیه؛
- شناخت و کدگذاری منابع و مؤلفان؛
- مقوله‌بندی عوامل تأثیرگذار بر تطورات موجود در نگارش‌های علوم قرآن؛
- الگوی عوامل مؤثر در سیر تطور نگارش‌های علوم قرآن در قالب نظریه‌مبنایی.

### ۱. گزینش منابع تأثیرگذار علوم قرآن در قرن ۶ تا ۱۰

با عنایت به اهمیت قرون بعد از قرن ۵ که تأثیرپذیرفته از تمدن اسلامی و توسعه علوم است (ر.ک: نحوی، ۱۳۸۱: ۱۰۴)، شروع زمان بررسی، قرن ۶ قرار داده می‌شود تا نتایج حاصل از تمدن اسلامی قرن ۴ و ۵ (ر.ک: متز، ۱۳۹۴: مقدمه؛ مکی، ۱۳۸۴: مقدمه؛ فاخوری و الجزّ، ۱۳۶۷: ۱۴۳؛ مقدسی، ۱۳۶۱: ۱۷۴-۲۰۰)، در نگارش‌های علوم قرآن به منصفه ظهور رسیده باشد. نقطه زمانی پایان بررسی هم پایان قرن ۱۰ قبل از دوره رکود مجدد علوم قرآن، یعنی قرن ۱۱ تا ۱۳ (ر.ک: مهدوی‌راد، ۱۳۸۴: ۱۷۷، ۱۹۹ و ۲۱۳) در نظر گرفته می‌شود. در نتیجه دامنه بررسی این تحقیق، معطوف به کتب علوم قرآن از قرن ۶ تا ۱۰ است. بدین ترتیب با فرضی اولیه با کمک منابع علمی، با ملاک قرار دادن قدمت، جامعیت، جایگاه نویسنده و شرح‌نویسی‌ها و تلخیص‌های حول کتاب و توجه به گزارش تأثیرگذاری کتاب و مؤلف آن در دوره خود و در دوره‌های دیگر، هشت کتاب به عنوان کتب اصلی و تأثیرگذار علوم قرآن که در قرن ۶ تا ۱۰ و دوره‌های بعد، تحول ایجاد کرده‌اند، انتخاب شدند. در ادامه با بررسی کتاب‌ها و نویسندگان و مقولات به دست‌آمده (عوامل نقش‌آفرین در تطور منابع)، طبقه‌بندی و تحلیل نوع تأثیرگذاری عوامل تطور ارائه می‌شود. سپس بر اساس عوامل مؤثر در تطورات سیر منابع علوم قرآن با ضریب تأثیرهای مختلف، الگوی نظریه‌مبنایی عوامل، مبتنی بر عوامل علی، زمینه‌ای، میانجی و غیره بیان می‌گردد.

## ۲. شناخت و کدگذاری منابع تأثیرگذار علوم قرآن (قرن ۶ تا ۱۰)

در این بخش به بررسی منبع از حیث ساختار، محتوا و کارکرد و همچنین نویسنده آن با هدف کشف عوامل مؤثر در نگارش و مؤلف، به ترتیب قرون می‌پردازیم.

### ۱-۲. قرن ۶؛ فنون الافنان ابن جوزی (۵۱۰-۵۹۷)

کتاب *فنون الافنان فی عجائب القرآن* اثر حافظ ابوالفرج بن الجوزی است. این کتاب، خلاصه اقوال متقدمان و برگزیده آراء محققان از علوم قرآن را در ابواب و فصولی تنظیم کرده و با توسعه آن به ۱۲ باب و ۶۷ فصل رسانده است (ر.ک: ابن جوزی، ۱۴۰۸: ۲۱-۲۸۵). در این کتاب، عجاییبی از قرآن که به تعبیر مقدمه آن، نشان‌دهنده اعجاز در معنا، لفظ و نظام قرآن است بیان می‌شود (ر.ک: همان: ۲۰). نمایه ابواب اصلی کتاب *فنون الافنان* عبارت‌اند از: فضائل قرآن، غیر مخلوق بودن قرآن، نزول قرآن بر سبعة احرف، سور مکی و مدنی، عدد سوره، آیات، کلمات و نقطه، ذکر اجزای قرآن، تعداد آیات سور، بررسی سور طبق مذهب اهل کوفه، کتابت و هجای مصحف، لغات در قرآن، انواع متشابهات و تشابه معنا، وقف و ابتدا. *فنون الافنان* نسبت به دوره خود جامع بوده، ضمن آنکه با احتساب تک‌نگاری‌ها، ساختار، کارکرد و محتوای علوم قرآن ابن جوزی، به مختصات و فهرست‌های کتب جامع متأخر و معاصر امروزی نزدیک می‌شود.<sup>۱</sup>

توجه به تک‌نگاری‌های ابن جوزی (ر.ک: همو، ۱۴۰۵: ۹/۱۰۸، ۱۶۷/۱۰ و ۲۶۴) برای فهم مسائل زمانه و دغدغه ابن جوزی لازم به نظر می‌رسد؛ علاوه بر آنکه محتوای

۱. با توجه به آنکه در قرن ۶، اقسام علوم قرآن به معنای جمع علوم للقرآن، علوم فی القرآن و حتی حول القرآن (ر.ک: موسوی دارابی، ۱۴۲۲: ۱/۱۲-۱۵) رایج بوده، کتاب *فنون الافنان* به عنوان کتاب جامع‌نگاری در نظر گرفته شده است. اما امروزه با توجه به تطور و تحولات انجام‌شده، مثل شکل‌گیری علم تفسیر به طور مستقل، علم تجوید به طور جداگانه، تفکیک بحث کلامی مرتبط با قرآن از علوم قرآن و...، جامع دانستن *فنون الافنان* به سبب معاصر بدون مباحث نسخ و تحریف دقیق نیست. در اکثر تعاریف معاصر، مراد از جامع‌نگاری در زمینه علوم قرآن، کتابی است که در تنظیم و تدوین آن، مجموعه‌ای از مباحث مثل تاریخ قرآن، رسم الخط، قرائت، تحریف‌ناپذیری، اعجاز، مکی و مدنی، سبب نزول، نسخ، محکم و متشابه به طور تجمیعی مدنظر باشد (ر.ک: زرقانی، ۲۰۰۱: ۲۹-۳۵؛ مهدوی راد، ۱۳۸۴: ۸ و ۱۰).

کمی و کیفی مطالب علوم قرآن او را نیز می‌افزاید. بررسی گزارش‌ها پیرامون شخصیت فردی و علمی ابن جوزی، نشان از تناقض‌هایی در شخصیت او دارد؛ برای مثال با وجود آنکه تعصب داشته، ولی نسبت به فضائل اهل بیت بی‌تفاوت نبوده تا آنجا که برخی حنبلیان، او را حنبلی نمی‌دانند، یا از طرفی در مواجهه با حاکمان وقت و منازعات آن دوره، جبهه‌گیری خاص یا تنش‌قابل گزارشی میان او و حاکمان دیده نشده است. حتی در کتاب *المنتظم* خود هم آن‌چنان که مورد انتظار است، از شرایط مردم و نگرانی‌های آنان نکته قابل توجهی نگفته است؛ اما از طرف دیگر، وقتی حاکمان پای منبر موعظه او می‌آمدند، به طور خاص آن‌ها را به نفع مردم و جامعه و صفات اخلاقی موعظه می‌کرده است (ر.ک: موسوی خوانساری، ۱۳۹۲: ۳۸/۵؛ زرکلی، ۱۹۸۹: ۳۰۷/۱؛ ۵۶/۲ و ۲۲۷ و ۳۱۶/۳؛ ابن جوزی، ۱۴۲۲: ۱۳؛ ذهبی، ۱۴۱۳: ۴۰۴/۱۳، ۳۹۵/۱۴، ۱۳۰/۳۶ و ۳۳۵؛ ابن اثیر جزری، ۱۳۸۵: ۱۷۱/۱).

در مجموع با حذف تناقض‌های رفتاری، گفتاری و نوشتاری موجود می‌توان گفت که شاید حکمتِ تفاوت‌ها به دلیل مصلحت‌سنجی و توجه به اقتضائات برای انجام رسالت علمی بوده است. به عبارتی سعی داشته با پرهیز از حواشی و محدودیت‌های احتمالی که ممکن بود توسط حاکمان ایجاد شود، در محیطی آرام، رسالت علمی و موعظه‌گری خود را دنبال کند. اگر چنین باشد، می‌توان او را شخصیتی دانست که در نگارش‌های خود، هم از حواشی پرهیز کرده و هم سعی داشته متعادل و فراتر از عوامل اجتماعی، سیاسی و اقتصادی، فقط به وجاهت علمی مباحث و از جمله نگارش‌های علوم قرآن خود توجه کند. عوامل محیطی، شرایط حکومت و فرهنگ یا تعصب، بر قلم نگارشی او تأثیری نداشته است؛ البته نگاه و اندیشه اساتید، مسائل و چالش‌های علمی روز بر روی او مؤثر بوده است (ر.ک: ذهبی، ۱۴۱۹: ۱۳۴۲/۴؛ ابن عماد حنبلی، ۱۹۸۶: ۳۲۹/۴)؛ برای مثال در دوره او، تعدد مصادیق نسخ شایع بود و او هم تحت تأثیر همین تفکر و رویه اساتید حتی با پیشی گرفتن از آن‌ها، جزء افرادی است که تعداد مصادیق نسخ را تا ۲۷۴ مورد برمی‌شمرد (ر.ک: ابن جوزی، ۱۴۲۲: ۱۲۵-۱۳۴). هرچند به دلیل تعدد و کثرت نگارش‌ها، خطاهای نگارشی او محدود نیست، اما در راستای هدف این اثر، شخصیت تأثیرگذاری بوده که کتاب جامع علوم قرآن او با تجمیع تک‌نگاری او در

علوم قرآن جریان سازی کرده است.

در مجموع، قرن ششم دوره رکود علمی و عقلی فرهنگ و تمدن اسلامی بوده که حدوداً از اواخر قرن پنجم آغاز شده است. در این دوره هرچند علوم عقلی در جهان اسلام به دلایل مختلف رو به انحطاط گذاشته است (صفا، ۱۳۷۴: ۱۳۱-۱۵۴)، اما منابع علوم قرآن در قرن ۶ علاوه بر آنکه از ذخایر نگارش های دوره قبل و دستاوردهای قرون پیشین به ویژه منابع علوم قرآن مربوط به قرون ۴ و ۵ بهره مند شده، در مسیر توسعه و تکمیل هم قرار گرفته است.

## ۲-۲. کتاب های تأثیرگذار قرن ۷

الف) آثار علی بن محمد سخاوی مشهور به علم الدین (۵۵۸-۶۴۳)

فهرست آثار متنوع سخاوی نشان از این دارد که در مجموعه عناوین علوم قرآن، نقش برجسته ای دارد (شمس الدین سخاوی، ۱۴۲۸: مقدمه). علاوه بر آن، دو اثر جامع نگاری *جمال القراء و کمال الإقراء* (علم الدین سخاوی، ۱۴۱۹: مقدمه) و *رسالة فی علوم القرآن* (زرکلی، ۱۹۸۹: ۱۵۴/۵) و تک نگاری های متعدد او قابل توجه است. سخاوی مالکی بوده و بعد شافعی شده و ابوشامه مقدسی، شاگرد اوست. تجمع تک نگاری های او در علوم قرآن، اتفاقی مهم است؛ اما چون همه آثار او در دسترس نیست، نمی توان در مورد آن قضاوت کاملی کرد. البته در آن دوره، متناسب با زمان و برای عصر خودش و شاگردانش تأثیرگذار بوده که فردی مثل ابوشامه مقدسی از او تأثیر گرفته و کتابی جامع در علوم قرآن نگاشته است. در بررسی ضمنی آثار او، تعصب یا عامل تأثیرگذار خاص فرهنگی، اجتماعی، علمی یا دیگری یافت نشد. باید گفت شخصیتی است مستقل که اهل نگارش بوده و سهم تأثیرگذاری از نظر تعداد بر مجموعه نگارش های علوم قرآن داشته است (ر.ک: داوودی، ۱۴۰۳: ۶۵/۲-۶۶).

ب) کتاب *سعد السعود ابن طاووس* (۵۸۹-۶۶۴)

کتابی در موضوع چگونگی جمع آوری قرآن و تفسیر برخی از آیات و مشکلات قرآن بوده که به نقل از تفاسیر مختلف با جرح و تعدیل اقوال بزرگان تنظیم شده است.

این کتاب فهرستی موضوعی توصیفی و کاملاً ابتکاری بوده که قبل از آن سابقه نداشته است. کتاب شامل دو باب است؛ باب اول دارای ۶۶ فصل است و باب دوم حدود ۲۱۲ فصل بوده و به تصانیف تفسیری بزرگی چون *تبیان*، *قمی*، *کشاف* و... اشاره دارد. در فصل‌های ابتدایی باب دوم، بار تفسیری پررنگ‌تر است. در ادامه در ذیل برخی آیات، از تفسیر، شأن نزول، تأویل، تنزیل، اعجاز، نسخ و محکم و متشابه صحبت می‌کند (ر.ک: ابن طاووس، ۱۳۶۳؛ همو، ۱۳۸۰: ۲۵-۴۴ و ۵۵-۶۵).

با وجود جامع نبودن کتاب *سعد السعود* به معنای مصطلح امروز و با وجود اولویت کارکرد تفسیری و گزارشی آن، اما با در نظر گرفتن عناوین کتاب و دقت سید بر برجسته کردن عناوین علوم قرآن در فهرست و با توجه به تجمیع مباحث پراکنده از کتاب او و ساخت تصویری ذهنی از کلّ این مباحث در کنار هم، جرح و تعدیلی اتفاق می‌افتد. در نتیجه با لحاظ شخصیت بسیار تأثیرگذار او، عدم نگاه افراطی به علم کلام، عدم تعامل و در عین حال رعایت احتیاط در ارتباط با حاکمان و جوّ سیاسی، وسعت دید و نگرش او به علوم دینی، توجه به اصول اخلاقی و نگاه انعطافی به اتفاقات و تصمیم‌های سرنوشت‌ساز، و مقبولیت مردمی (ر.ک: موسوی خوانساری، ۱۳۹۰: ۴/۳۲۵-۳۳۸؛ کلبرگ، ۱۳۷۱: ۲۳-۲۸؛ یوسفی اشکوری، ۱۳۶۸: ۲/۱۰۰؛ صادقی کاشانی، ۱۳۹۴: ۲۵)، می‌توان اثر *سعد السعود* او را با همین شرایط ذکر شده، مشابه یک کتاب جامع و اصیل علوم قرآن، تأثیرگذار دانست.

ج) *المرشد الوجیز الی علوم تتعلق بالکتاب العزیز ابوشامه مقدسی (۵۹۹-۶۶۵)*  
کتاب *المرشد الوجیز* در قالب مقدمه و شش باب تنظیم شده که اهمّ آن‌ها عبارت‌اند از: کیفیت نزول قرآن، جمع و تلاوت آن، توضیح حدیث «سبعة أحرف» و قرائات. همچنین تک‌نگاری او در مباحث متشابه و قرائت، به غنای علمی مباحث کتاب جامع او می‌افزاید (ر.ک: ابوشامه مقدسی، ۱۳۹۵: ۳-۲۶). کتاب *المرشد الوجیز* از حیث ساختار و محتوا به عنوان یک کتاب جامع علوم قرآن، قابل پذیرش است.

در تحلیل شخصیت شافعی ابوشامه مقدسی و تعصب او باید گفت که دفاع از شافعیان در مقابل حنبلیان یا گروه‌های دیگر با جدّیت از طرف او دنبال می‌شد. اما با



وجود صفات امانتداری و نقل قول موثق، می‌توان تا حدودی مطمئن شد که در نقل دیدگاه‌ها و روایت مرتبط با علوم قرآن، متعصبانه ورود نکرده باشد. عدم دنیاگرایی و تواضع، جزء ویژگی‌های ثبت شده برای اوست (ر.ک: ذهبی، ۱۴۱۳: ۳/۳۱۳؛ رحیم‌لو، ۱۳۷۸: ۲۲۴۳/۵). مجموع این صفات به ذهن می‌آورد که براین تأثیرگذاری او زیاد بوده است؛ ولی بررسی گزارش‌ها (ر.ک: ابوشامه مقدسی، ۱۳۹۵: ۳-۲۶)، نشان از تأثیرگذاری متوسط او در *المروشد الوجیز* است. نکته آن است که ابوشامه با حکومت همراهی می‌کرده و در نتیجه این تعامل، ممنوعیت و محدودیت سیاسی برای نگارش و تبلیغات کتاب او وجود نداشته است. ضمن آنکه نکته‌ای مبنی بر نگارش جانبدارانه برای حکومت نیز در نگارش او محسوس نیست. پس شاید تأثیرگذاری متوسط او در آن دوره، به دلیل گزارش برخی خودپسندی‌ها و گاهی فخرفروشی‌هایی بوده (ر.ک: همان: مقدمه) که باعث کاهش مقبولیت او شده است.

در نتیجه با توجه به نکات گفته شده، عوامل تأثیرگذار مختلفی در زمینه‌های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و حتی اقتصادی از قرن ۵ تا ۷ تأثیرگذار بودند که جلوه بارز آن در قرن ۷ بیشتر از قرون قبلی است. این قرن در بیان و نقد آراء اندیشمندان، دارای مشترکات و مختصات نظریات خاصی بود که تضارب آن قابل توجه است. در این قرن، تأکید و تمرکز علما بر دفاع از مذاهب یا مخالفت با مذاهب دیگر و همچنین تأثیر گرایش و تخصص‌های علمی، پررنگ‌تر از قرن‌های گذشته است. مناسبات کلام و فلسفه در دوران کلام متأخر و وحدت نظری حاصل شده و تأثیر آن در نگارش‌های علوم قرآن<sup>۱</sup> حائز اهمیت است. قرن ۷ جزء زمان‌هایی است که می‌توان تبلور فکری علمای مختلف در مذاهب و رویکردهای مختلف را در مباحث جامع علوم قرآن و در بحث تک‌نگاری‌ها دید.

۱. به طور خاص، فخر رازی با حجم و تعداد زیاد نگارش‌های تأثیرگذار در دوره خود، ساخت الگوی جدید از تلفیق فلسفه، منطق و کلام و بازتاب آن در مباحث علوم قرآن، تفسیر یا کتب تک‌نگاری را در نگارش‌های خود پیاده کرد (ر.ک: داوودی، ۱۴۰۳: ۲/۲۱۷؛ خوانساری، ۱۳۹۰: ۸/۳۶؛ شریف، ۱۳۷۰: مقدمه؛ یوسفی اشکوری، ۱۳۶۸: ۲/۲۴۴؛ ایازی، ۱۴۱۴: ۱/۶۵۵).

۳-۲. قرن ۸؛ البرهان فی علوم القرآن زرکشی (۷۴۵-۷۹۴)

این کتاب در دو فصل و ۴۷ باب جمع آوری شده که هر باب، یکی از انواع علوم قرآن را بررسی کرده و با استفاده از ماحصل گذشتگان چون راغب، طبری، سید مرتضی، سخاوی، واحدی نیشابوری و... (ر.ک: زرکشی، ۱۴۱۰: ۷۲/۱-۸۱)، الگویی مبتکرانه برای آیندگان ارائه داده است. به بیان محقق، روش زرکشی بدین شکل است که میان آرای علما، مناظره‌ای غیابی به وجود می‌آورد، سپس از بحث‌ها نتیجه‌گیری می‌کند و سرانجام نظریه خود را می‌گوید. اشکال عقاید علمای پیش از خود را با استدلال‌های ادبی، تفسیری، فقهی و حدیثی مطرح کرده و گاهی ذیل عنوان «فصل»، به مطالب حاشیه‌ای یا شرح‌های اضافی می‌پردازد تا سخن را تکمیل کند. وی به تناسب بلندی و کوتاهی مباحث، برخی از انواع را به فصول و بخش‌های گوناگون تقسیم کرده و به چهار نوع واپسین (کنایه و تعریض، اقسام معنای کلام و...) تفصیل بیشتری می‌دهد. بنابراین البرهان از لحاظ ادبی بر دیگر کتب علوم قرآن امتیاز دارد (ر.ک: حیدر، ۱۴۲۷: ۱۱۵).

در حالی که پیش از کتاب زرکشی، مباحث مربوط به علوم قرآن در معنای عام آن، در مقدمه‌های کتاب‌های تفسیر یا تاریخ و یا فضائل قرآن و قرانات پراکنده بوده است، زرکشی این مباحث را در قالبی نوآورانه و با نظامی منطقی سامان می‌دهد. همین اصلاح، در آثار بعد از او نیز پذیرفته شده و مبنای دسته‌بندی مباحث علوم قرآن قرار گرفته است (ر.ک: زرکشی، ۱۳۹۳: مقدمه مترجم). به عقیده سیوطی، هر کس پس از زرکشی در زمینه علوم قرآن تألیفی دارد، مبتنی بر البرهان بوده است (ر.ک: همو، ۱۴۱۰: ۷۶/۱: حاجی خلیفه، ۱۹۸۲: ۲۴۰/۱).

در واکاوی ساختار، سامان و محتوای کتاب البرهان، تسلط علمی و خبرگی زرکشی روشن می‌شود (ر.ک: زرکشی، ۱۴۱۰: ۷۲-۵۴/۱). دقت نظر، نظم، ترتیب و تأخر منطقی، پرداختن به وجوه مختلف یک موضوع، نقل اقوال مختلف و ارائه نظر و تحلیل مؤلف در ذیل هر بحث قابل توجه است (ر.ک: همو، ۱۳۷۶: ۱۳/۱-۱۴). اهتمام زرکشی بر جمع مباحث علوم قرآن در قالب مجموعه موضوعات متنوع و مرتبط با علوم قرآن بوده که همراه با رویکرد خلاقانه در ساختار، روش و محتوا ارائه شده است. دقت بر شخصیت

مؤلف و متن البرهان حاکی از آن است که زرکشی در تلاش بوده با رویکرد معرفتی ذات‌گرایانه به حقیقت و اصالت مطالب در علوم قرآن دست یابد. حتی در رویکرد تفسیرگرایی و پردازش اجتهادی، تلاش او بر تبیین مطالب بدون حواشی برای حفظ اصالت محتوا بوده است. شخصیت بدون حاشیه و بدون تعصب او همراه با آزاداندیشی منصفانه، موجب شد که دستاورد البرهان او، اولین و بهترین منبع جامع علوم قرآن باشد. در نتیجه با وجود دوران استیلای مغول و به طور کلی از هم‌پاشیدگی جهان اسلام (ر.ک: فاختوری و الجز، ۱۳۹۳: ۷۰۹) و کم‌کاری علمی در قرون ۷ تا ۱۰ و به خصوص تعداد کم نگارش‌های علوم قرآن، آن هم بدون ارزش علمی و فنی، اما در این بین استثناهایی از لحاظ سیاسی و علمی چون تأثیرات مکتب حله یا مثلاً کتاب البرهان وجود دارد. بدین ترتیب در زمان خمودگی و رکود علمی جهان اسلام، نگارش البرهان فی علوم القرآن زرکشی به عنوان اولین کتاب مستقل در زمینه علوم قرآن (طبق نقل مشهور)، ثمره دوره‌ای است که ضمن اثرپذیری از وضعیت قرون ۷ و ۸، از تأثیرات قوت علمی مکتب حله و تحولات علمی در مصر بهره برده است (برای مطالعه تأثیرات مکتب حله در تحولات فرهنگی و اجتماعی قرون ۷ تا ۹، ر.ک: افندی اصفهانی، بی‌تا: ۳۶۱/۱؛ بحرانی، بی‌تا: ۲۳۰؛ ابن ادریس حلی، ۱۳۸۶: ۷۳/۸).

در نتیجه زرکشی با تألیف کتاب البرهان فی علوم القرآن، نخستین کتاب مستقل و جامع درباره علوم قرآن را در قرن ۸ بدون سابقه و الگوی پیشینی و با ابتکار عمل نوشته است.

## ۴-۲. کتب تأثیرگذار قرن ۹

الف) بصائر ذوی التمییز فی لطائف الکتاب العزیز اثر مجدالدین محمد بن یعقوب فیروزآبادی (۷۲۹-۸۱۷)

در کتاب بصائر به موضوعات مختلف علوم قرآن از جمله وجوه و نظایر پرداخته شده است. مطالب کتاب، در شش جلد و سی باب تنظیم شده است. در جلد اول، نویسندگان به حسب ترتیب سوره‌ها وارد بحث شده و در هر سوره، نه موضوع علوم قرآن را بررسی کرده است (ر.ک: فیروزآبادی، ۱۴۱۶: فهرست). از جمله ویژگی‌های این کتاب،

جایگاه بلند آن در میان آثار علوم قرآن است (ر.ک: مهدوی راد، ۱۳۷۵: ۴۷-۵۷). نمایه موضوعی این کتاب عبارت‌اند از: فضائل و نام سور، تعداد حروف، کلمات و آیات، اعجاز، تنزیل، وحی، اسباب نزول، متشابه، اختلاف قاریان در تعداد آیات، تأویل، فواصل، نسخ، تفسیر مفردات و قصص.

می‌توان گفت که شهرت مؤلف، بیشتر از شهرت کتاب *بصائر* اوست؛ چرا که وی دانشمندی بزرگ، اهل سفر و اهل تعامل با عوام، خواص و حتی حاکمان بوده است. کتاب *القاموس المحيط* او به خاطر ویژگی‌های خاص آن، شهرت او را دو چندان کرد. در نتیجه کتاب *بصائر* او به طور متوسط در طبقه فرهیختگان شناخته شده است. در مجموع، جلد اول کتاب *بصائر* به ضمیمه مباحث وجوه و نظائر در جلد‌های دیگر، به عنوان یک کتاب جامع علوم قرآن قابل طرح است (ر.ک: فیروزآبادی، ۱۴۱۶: مقدمه؛ زرکلی، ۱۹۸۰: ۱۴۷/۷؛ کخاله، ۱۹۵۷: ۷۷۶/۳؛ حاجی خلیفه، ۱۹۸۲: ۱۳۰۸/۲).

فیروزآبادی در کتاب *بصائر* از مباحث متنوع و تقریباً جامعی از علوم قرآن بحث کرده است. شخصیت علمی و تخصص ادبی او موجب شده که به طور جدی به واژه‌شناسی قرآنی بپردازد. در حقیقت فیروزآبادی مشهور به نگارش *قاموس*، در این کتاب *بصائر*، جنبه‌های واژگانی و ادبی علوم قرآن را ارتقا داده است.

تأثیرپذیری فیروزآبادی از منابع پیشین، به ویژه *مفردات* راغب بسیار روشن است، اما گستردگی طرح بحث او در این موضوع، قابل مقایسه با آثار پیشین از این دست نیست (ر.ک: مهدوی راد، ۱۳۷۵: ۴۷-۵۷). بنابراین شخصیت منصف، دقیق و علمی فیروزآبادی بدون تأثیرپذیری از عوامل مختلف محیطی و اجتماعی توانست با کارکرد و ساختاری مناسب، محتوای جامعی را در علوم قرآن سامان دهد و در برخی مباحث تولید کند.

### ب) *التیسیر فی قواعد علم التفسیر محمد بن سلیمان کافجی (۸۷۹)*

کتاب *التیسیر* در دو باب تدوین شده که باب اول به اصطلاحات علم تفسیر و عناوین علوم قرآن، و باب دوم به بیان قواعد و مسائل علم تفسیر و توضیح مباحث علوم قرآن پرداخته است. نمایه موضوعات آن عبارت‌اند از: تنزیل، تأویل، سبب نزول، اعجاز، محکم و متشابه، قواعد تفسیر، نسخ، طبقات مفسران، تواتر قرآن و تفسیر آیات

(ر.ک: کافيجی، ۱۴۱۹: ۳ به بعد).

کافيجی عالم حنفی اهل برغمه و مقیم قاهره، یکی از استادان سیوطی است. کافيجی احتمالاً کتاب *البرهان* زرکشی را ندیده است؛ چرا که کتاب خود را بسیار برتر می‌دانست و معتقد بود که قبل از او همچون کتابی نبوده است (ر.ک: همو، ۱۴۱۰: مقدمه مطرودی). هرچند سیوطی این کتاب را کوچک می‌شمارد (ر.ک: سیوطی، ۱۳۸۷: مقدمه)، ولی به نظر می‌رسد که این داوری سیوطی درباره کتاب کافيجی درست نیست. شاید به دلیل توانمندی بیشتر سیوطی، دیدن کتاب *البرهان* و نقشه علمی‌ای که در ذهن برای نگارش *الاتقان* داشته، موجب حقیر بودن این نگارش نزد او شده است. به هر ترتیب، اثر تیسیر کافيجی در موضوعات مختلف علوم قرآن مطلب دارد و اکثر مباحث آن با کارکرد علوم قرآنی بیان شده است. این اثر برای کسانی که با توجه به شرایط آن روزگار به کتاب *البرهان* دسترسی نداشته و حتی نسبت به آن آگاهی نداشته‌اند (ر.ک: کافيجی، ۱۴۱۹: مقدمه؛ همو، ۱۴۱۰: زرکلی، ۱۹۸۹: ۳/۹۰۲)، اثر قابل توجه و قابل استفاده‌ای در عصر خود بوده است.

تیسیر کافيجی خوب و مفید در عرصه علوم قرآن است. مقدمه خوب مطرودی بر کتاب کافيجی و توضیح فضای تاریخی آن دوره، نکات قابل توجهی را نشان می‌دهد (ر.ک: کافيجی، ۱۴۱۹: مقدمه مطرودی). می‌توان گفت که با توجه به فضای سیاسی و اجتماعی تصویرشده و همچنین رکود علمی موجود، شاید مباحث کافيجی بر کتابش اغراق نباشد؛ چرا که نگارش همچون کتابی و تنظیم و سامان قابل قبول صورت گرفته در آن دوران -بدون دیدن کتب *البرهان*، نگارش قابل توجهی محسوب می‌شود. با توجه به نکات گفته‌شده، عوامل تأثیرگذار مختلفی در زمینه‌های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و حتی اقتصادی در این عصر وجود داشت. نویسندگان به خوبی در مقابل عوامل سیاسی و فشار حاکمان مقاومت کرده و آثار و نظرات ارزشمندی را در علوم قرآن به یادگار گذاشتند. اما چون نویسندگان این دوره، شناختی نسبت به *البرهان* زرکشی نداشتند، اثر آنان نسبت به دوره خود تأثیرگذار بوده است؛ ولی سنجش آثار آنان برای ما در دوره معاصر که شاهد *البرهان* در قرن قبل از آن‌ها هستیم، جریان‌سازی قابل توجهی را در علوم قرآن بر اساس سیر زمانی در قرن ۹ به دنبال ندارد.

## ۲-۵. قرن ۱۰؛ کتاب *الاتقان سیوطی* (۹۱۱)<sup>۱</sup>

سیوطی بعد از نگارش کتاب *التحیر فی علوم القرآن* در ۱۰۲ فصل که با تأثیر از کتاب *مواقع العلوم* استادش بلقینی<sup>۲</sup> نوشته بود، متوجه وجود کتابی جامع‌تر از کتاب خودش در قرن قبل می‌شود. بنابراین تصمیم می‌گیرد که *الاتقان* را بر مبنای کتاب زرکشی بنگارد (ر.ک: سیوطی، ۱۳۸۷: مقدمه). سیوطی در مقدمه وعده می‌دهد که کتابش نظام‌یافته‌تر از کتاب زرکشی و حاوی مطالبی اضافه بر آن باشد. مقایسه دو کتاب *البرهان* و *الاتقان* نشان می‌دهد که سیوطی اصلاح و بهبودی آشکار را در سازماندهی *البرهان* انجام داده است. *الاتقان* در هشتاد فصل پیاپی بدون هیچ گونه دسته‌بندی موضوعی سامان یافته و محقق، آن را «تلسکویی» یا «تاشونده» خوانده است؛ به این معنا که وی در ابتدا با موضوعات کلی و کلان شروع می‌کند و به تدریج به موضوعات کوچک و کوچک‌تر می‌رسد (ر.ک: مک‌اولیف، ۱۳۸۹: ۱۵۲؛ حیدر، ۱۴۲۷: ۳۵-۷۰). سیوطی با بهره‌مندی از داده و نقشه اولیه زرکشی در ۴۷ موضوع، مطالبی افزوده و ساختار، طبقه‌بندی و نقشه مطلوب‌تری را با خلاقیت و ابتکار خود در ۸۰ نوع سامان داده است. برای تحلیل بهتر *الاتقان*، سایر کتب علوم قرآن سیوطی هم مورد عنایت قرار گرفتند (ر.ک: سیوطی، ۱۹۸۸: ۱۲-۳۸۷؛ همو، بی‌تا: ۲۶-۲۵؛ همو، ۱۹۸۳). البته سیوطی در کتاب *اعجاز* خود به جمع‌آوری نظرات گذشتگان بعد از آسیب‌های ناشی از حمله مغول پرداخته است. کار او از جهت توجه به تجمیع نظرات جاحظ، نظام، نقد صرفه و گزیده نظرات دیگران قابل توجه است (ر.ک: همو، ۱۳۸۷: ۶۴/۲). در قرن ۱۰ با تفاسیر فلسفی متعددی

۱. در طبقه‌بندی قرن‌ها، معیار سال وفات نویسنده است و تا تاریخ زیر ۱۰ در قرن بعد، جزء قرن قبل یعنی قرنی که نویسنده در آن می‌زیسته است، قرار می‌گیرد؛ برای مثال از سال ۹۱۱ تا سال ۱۰۱۰ در قرن ۱۰ در نظر گرفته می‌شود. هرچند نگارش *الاتقان* سیوطی در اواخر قرن نهم ثبت شده است (ر.ک: سیوطی، ۱۹۸۸: مقدمه)، ولی با توجه به معیار این تحقیق برای طبقه‌بندی قرن‌ها مبتنی بر سال وفات مؤلف، این کتاب در قرن ۱۰ در نظر گرفته شد.

۲. به گفته سیوطی در مقدمه کتاب *التحیر* (ر.ک: سیوطی، ۱۴۲۱: مقدمه)، بلقینی (۸۴۲) *مواقع العلوم من مواقع النجوم* را به عنوان یک کتاب بدیع در علوم قرآن نوشت. کتاب او در عصر خود برای کسانی که *البرهان* زرکشی را ندیده بودند، قطعاً قابل استفاده بوده؛ چرا که تفسیح و ساماندهی بلقینی در آن روزگار قابل توجه بوده است، هرچند بعدها با شناسایی *البرهان* و نگاشت *الاتقان*، جایگاه خود را از دست داد (ر.ک: کحاله، ۱۹۵۷: ۱۶۰/۵؛ سخاوی، ۱۳۵۴: ۱۰۶/۴).

روبه‌رو می‌شویم که تأثیر آن در نگارش‌های علوم قرآن مشهود است؛ برای مثال، رویکردها و وجوه جدیدی در مبحث اعجاز شکل می‌گیرد (باکنتچی، ۱۳۹۲: ۱۹۳-۱۹۵). اما در رصد مباحث اعجاز سیوطی در کتب جامع و همچنین تک‌نگاری او روشن است که وی تحت تأثیر این عوامل قرار نگرفته و بر اساس شرایط موجود در مصر و پیشینه البرهان، نظرات خود را در بحث اعجاز با شرح و بسطی بیشتر ارائه داده است.

در مجموع با لحاظ تجمیع *الاتقان* با تک‌نگاری‌های متعدد سیوطی در بحث علوم قرآن و همچنین دو جامع‌نگاری کوچک او (ر.ک: مهدوی راد، ۱۳۸۴: ۱۵۱-۱۶۶)، باید اذعان کرد که جایگاه و تأثیرگذاری سیوطی بیشتر از همه نگارندگان علوم قرآن بوده است. به لحاظ استفاده از منابع پیشین و هدف اتصال منابع علوم قرآن گذشته با آینده، سیوطی حقیقتاً در این مسیر موفق بوده و تا الآن کتاب *الاتقان* دارای حیات علمی است.

در نتیجه بررسی‌ها، میزان تأثیرگذاری نگارش البرهان و *الاتقان* با وجود مشکلات و عوامل آسیب‌زا در قرون ۷ تا ۹ قابل توجه است. سیوطی و زرکشی هر دو اهل مصرند. با بررسی عوامل تأثیرگذار به دست می‌آید که مصر در آن دوره زمانی و مکانی و در آن شرایط سخت و حوادث تأثیرگذار آن روزگار مثل حمله مغول در قرن ۷، از پیامدها در امان مانده و کانون علوم قرآن بوده است. سده هشتم هرچند برای جامع شدن رسمی علوم قرآن، سده طلایی است، اما انحطاط فرهنگی در آن دوره زبانه‌زد است. در سده نهم پس از هجوم مغولان، ایلخانان و تیمور گورکان، اوضاع فرهنگی، اجتماعی و سیاسی شرق اسلامی بحرانی شد. این وضعیت، تأثیری فوق‌العاده بر حرکت‌های علمی و فرهنگی جامعه گذاشت و انسداد در رشد علم و دانش به وجود آورد. در این فضای فکری و فرهنگی، جریان تصوف هم رونق فراوان یافت. در نتیجه، تفسیرهای عرفانی جو غالب این سده شد و جایگاه تفاسیر عقلی و اجتهادی در نگارش‌های علوم اسلامی تنزل یافت (ر.ک: اقبال آشتیانی، ۱۳۸۹: ۲۵-۸۹).

اما نکته مهم در تحلیل تاریخی این پژوهش آن است که مصر از همه این پیامدها در امان ماند. در نتیجه، بوم مناسبی برای تولید علم و از جمله علوم قرآن شد که بروز و ظهور اصلی آن با نگارش البرهان و *الاتقان* در قرون ۸ تا ۱۰ آن هم با رویکرد عقلی و اجتهادی همراه بوده است. از این رو، بحث عامل تأثیرگذار محیط جغرافیایی و مسائل و دغدغه‌های

روز فرهنگی، اجتماعی و علمی در اینجا خود را به وضوح نشان می‌دهد؛ هم در جهت رشد منابع علوم قرآن و هم در جهت رکود آن. با این اوضاع و احوال، به طور کلی انتظار نمی‌رفت که مهم‌ترین منابع جامع علوم قرآن، محصول قرون ۸ تا ۱۰ باشد. اما محیط جغرافیایی مصر و دغدغه علمی علمای قرون ۸، ۹ و ۱۰ آن سرزمین (قرن ۸ با نگارش البرهان زرکشی، قرن ۹ با لحاظ نگارش التحبیر در ۸۷۲ و الاتقان در ۸۸۳ و سایر تک‌نگاری‌های سیوطی تا زمان فوت او در سال ۹۱۱ (ر.ک: مهدوی راد، ۱۳۸۴: ۱۵۱-۱۵۴))، گویای آن است که اتفاقاً در آن دوره بحران، مصر کانون و نقطه عطف علوم قرآن است. در حقیقت باید گفت که در نتیجه عوامل مذکور، نویسندگانی موفق شدند با رویکرد توسعه منابع علوم قرآن حرکت کرده و سیر نگارش‌های علوم قرآن را ارتقا دهند. در نتیجه در قرون ۸ تا ۱۰ در بالاترین سطح آن، تحول نگارش‌های علوم قرآن حاصل شد و نگارش دو کتاب جامع علوم قرآن، البرهان و الاتقان اتفاق افتاد.

### ۳. مقوله‌بندی عوامل تأثیرگذار بر تطورات موجود در کتب علوم قرآن

مقوله‌بندی به خلاصه کردن مفاهیم در قالب مفاهیم عام و آشکار کردن روابط میان مفاهیم جزئی و متعدد با مفاهیم عام و کلی تر اطلاق می‌شود. فرمول‌بندی و صورت‌بندی شبکه‌ای از مفاهیم و روابط میان آن‌ها، در قالب مقولات شکل می‌گیرد (ر.ک: فلیک، ۱۳۹۳: ۳۳۰). برای دستیابی به عوامل مؤثر در تطورات نگارش‌های علوم قرآن، هشت منبع و نویسندگان آن در قسمت قبل بررسی شدند. در ادامه، داده‌های مرتبط با عوامل تطور در منابع و نویسندگان در قالب جملات و عبارت‌های مهم، در جداولی دسته‌بندی می‌شوند تا «مفاهیم یا همان کدهای مؤثر» به دست آیند (ر.ک: همان).

#### ۳-۱. مقوله‌بندی عوامل تطور

برای حصول مقصود و قالب‌سازی نظریه‌بنیایی (ر.ک: همان: ۳۳۵) و در راستای سامان‌دهی عوامل مؤثر بر سیر تطور نگارش‌های علوم قرآن از قرن ۶ تا ۱۰، تلاش می‌شود با نظام منطقی، مقولات مرتبط با هم در یک محور کلی تر طبقه‌بندی شوند. در این قسمت، ۱۸ عامل تأثیرگذار که از بررسی منابع و نویسندگان علوم قرآن در قسمت



قبل به دست آمد، تحت ۵ مقوله محوری طبقه‌بندی شد.

مقولات	مفاهیم
عوامل درونی نویسنده	شخصیت فردی نویسنده
	جایگاه و شخصیت علمی نویسنده و کتاب او (مبانی، مبادی نویسنده)
	جایگاه و شخصیت اخلاقی نویسنده
	همنشینان و تأثیرگذاران و تأثیرپذیران نویسنده
شرایط پیرامونی و عوامل بیرونی نویسنده	شرایط فرهنگی اجتماعی دوره نویسنده
	شرایط سیاسی و حکومتی دوره نویسنده
	شرایط اقتصادی زمانه نویسنده
	محیط جغرافیایی زندگی، مهاجرت، مسافرت و تردد نویسنده
عوامل موجود در متن نگارش	ساختار متن و روش نگارش
	کارکرد متن
	محتوای متن
عوامل جانبی و زمینه‌ای	امکانات و ظرفیت‌های جانبی نویسنده
	تعصبات فرقه‌ای و مذهبی
	کتاب جامع ندارد؛ اما مطالب مهم و تأثیرگذاری در علوم قرآن داشته است
	علاوه بر جامع‌نگاری دارای تک‌نگاری است
عوامل مربوط به انتخاب کتاب جامع اصلی	تعداد عناوین علوم قرآن (جامعیت)
	قدمت
	شهرت

در مجموع ۱۸ شاخص به عنوان عوامل مؤثر در تطورات منابع علوم قرآن به دست آمد.

### ۲-۳. ضریب تأثیر عوامل مؤثر در تطور

عوامل مؤثر در این تحقیق، متغیری را گویند که برای تغییر دادن یا تأثیرگذاری در جهت تغییر عمل می‌کند؛ یعنی یا از متغیرها تأثیر می‌پذیرد یا با توجه به سایر متغیرها، توسط نگارندگان علوم قرآن صادر شده است. عوامل فراز و فرودهای سیر نگارش‌های علوم قرآن، هر کدام به نوعی و با ضریبی می‌توانند در سیر تطور نگارش‌ها مؤثر باشند. میزان و نوع تأثیرگذاری عوامل در قیاس با یکدیگر متفاوت خواهد بود. به عبارتی، میزان تأثیرگذاری برخی عوامل به حدی است که قابلیت جریان‌سازی و ایجاد تغییرات

نظری علمی در یک دوره را داراست که از آن، تعبیر به عوامل مؤثر با ضریب تأثیر بالا و متوسط خواهد شد. ولی برخی عوامل با وجود تأثیر بر تغییر نگارش‌ها، دارای قدرت جریان‌سازی نبوده‌اند تا آنجا که بر اساس مسئله این تحقیق می‌توان آن‌ها را با وجود تأثیرات حداقلی و ضریب تأثیر آن، کم‌تأثیر و در برخی موارد غیر مؤثر نامید (رک: گلشنی، ۱۳۹۱: ۵۴-۵۶).

با توجه به بررسی منابع و نویسندگان در قسمت قبل و تحلیل مطالب، میزان تأثیرگذاری هر یک از عوامل مؤثر در تطورات منابع علوم قرآن در قرون ۶ تا ۱۰ بدین صورت قابل توضیح است: عواملی مثل عامل اقتصادی، داشتن تک‌نگاری علاوه بر کتاب جامع، عامل تعصب فرقه‌ای و مذهبی، عامل سیاسی، نقش چندان تأثیرگذاری در سیر تحولات منابع قرون ۶ تا ۱۰ نداشته‌اند و به عنوان عامل کم‌تأثیر یا بی‌تأثیر طبقه‌بندی می‌شوند. عواملی هم دارای ضریب تأثیر بالا و قدرت جریان‌سازی در تطورات نگارش‌های علوم قرآن بوده‌اند؛ یعنی عواملی مثل عوامل مربوط به قدمت، شأن و شخصیت فردی نویسنده در نگارش، محتوا، شهرت، کارکرد کتاب، عوامل اخلاقی و فرهنگی اجتماعی زمان نویسنده و تأثیرات آن بر نگارش، هم‌نشینی مؤلف، همچنین تسلط و قدرت علمی مؤلف، بیشترین سهم تأثیرگذاری را در تطورات و سیر تاریخی منابع علوم قرآن در قرون ۶ تا ۱۰ داشته‌اند.

برای نمونه در تحلیل تاریخی و بررسی ابعاد مختلف شخصیت سیوطی و نگارش *الاتقان* و سایر تک‌نگاری‌های سیوطی به دست می‌آید که شخصیت فردی، علمی، هم‌نشینی وی، ساختار و کارکرد کتاب و جامعیت و شهرت شخصیت و کتب علوم قرآن او، شخصیت اخلاقی، شرایط فرهنگی، زمان و مکان عصر و زندگی سیوطی و محتوای علمی و نوآوری کتابش، به عنوان عوامل مؤثر با ضریب تأثیر بالاست. تأثیر عوامل اقتصادی و سیاسی بر روی نگارش او بی‌تأثیر بودند، یا در کتاب اثرگذار زرکشی، عواملی چون شهرت نگارش و نویسنده، جامعیت عناوین، محتوای کتاب، کارکرد کتاب، شخصیت و تخصص علمی مؤلف و هم‌نشینی او و تأثیرگذاری بر نگارش و نویسندگان برجسته بعدی، با ضریب تأثیرگذاری بالا هستند. ساختار کتاب، شخصیت فردی و عوامل اخلاقی نویسنده، تأثیری متوسط داشته و عوامل اقتصادی و عوامل سیاسی، بدون تأثیر در ارزیابی‌ها دیده می‌شوند.

کارکرد هر دو کتاب *البرهان* و *الاتقان* به عنوان نخستین منابع مستقل و جامع علوم قرآن، فوق‌العاده و به عنوان اولین هاست. از حیث محتوا به دلیل آنکه *البرهان* بدون الگوی پیشین بوده و کاملاً مبتکرانه نگارش شده، بر *الاتقان* اولویت دارد. در ازای آن، ساختاربندی و نظام‌دار بودن عناوین کتاب *الاتقان* بر ساختار و نظام کتاب *البرهان* دارای برتری است. علاوه بر آن سیوطی به دلیل داشتن چند تک‌نگاری تخصصی در زمینه علوم قرآن علاوه بر کتاب جامع *الاتقان*، از امتیاز و سابقه تخصصی نگارشی بیشتری در زمینه علوم قرآن نسبت به زرکشی برخوردار است. پس *البرهان* از حیث عامل قدمت و نوآوری و اظهار نظر نقادانه پیشقدم است و *الاتقان* از حیث عامل ساختار در نظام دادن و ساماندهی مطالب و تعدد منابع نگارش یافته علوم قرآن توسط سیوطی اولویت دارد.

#### ۴. الگوی عوامل مؤثر در سیر تطور نگارش‌های علوم قرآن در قالب نظریه مبنایی

برای ساماندهی و طبقه‌بندی عوامل مؤثر در تطورات نگارش‌های جامع علوم قرآن قرون ۶ تا ۱۰ و دستیابی به الگوی نهایی، استفاده از نظریه مبنایی مناسب است.

##### ۴-۱. ارکان نظریه مبنایی

عوامل و شرایط علی<sup>۱</sup>: شرایط علی در نظریه مبنایی، به چرایی و چگونگی می‌پردازند و در این تحقیق به مجموعه علل و عوامل ایجابی و ایجادی تطورات سیر نگارش‌های کتب علوم قرآن به عنوان یک مسئله اشاره می‌کنند؛ مثل شخصیت فردی نویسنده، شخصیت و تخصص علمی نویسنده، عوامل فرهنگی اجتماعی نویسنده، هم‌نشینان و تأثیر پذیری از مصادر و نویسندگان قبل و تأثیرگذاری بر مصادر و نویسندگان بعد، هویت و اصالت متن در بخش‌های ساختار و کارکرد و محتوا، به عنوان شرایط علی در این نظریه هستند.

عوامل و شرایط زمینه‌ای<sup>۲</sup>: مجموعه خاصی از شرایطی که در یک زمان و یک مکان خاص پدید می‌آیند و مجموعه اوضاع و احوال یا شرایطی را به وجود می‌آورند که

1. Causal condition.  
2. Contextual conditions.

افراد و جامعه با عمل و تعامل خود به آن پاسخ می‌دهند. به گفته استراس و کوربین، شرایط زمینه‌ای منشأ در شرایط علی دارند و محصول چگونگی تلاقی و تلفیق آن‌ها با یکدیگر برای شکل دادن به الگوهای رفتاری و استراتژی کنش در ارتباط با مسئله مورد نظرند (ر.ک: استراس و کوربین، ۱۳۸۵: ۱۵۴). در این تحقیق، شرایط زمینه‌ای مرتبط با عوامل تطور در سیر نگارش‌های کتب علوم قرآن، شرایط و اقتضائات زمان و مکان جغرافیایی هر نویسنده است، یا مواردی چون مهاجرت و مسافرت‌های متعدد نویسنده که موجب تعامل بیشتر او با فرهیختگان و مردم شده و شهرت او و کتابش را بیشتر می‌سازد. همچنین شاخص‌هایی چون نبود کتاب جامع اما داشتن تک‌نگاری یا مقدمه مهم علوم قرآن یا علاوه بر کتاب جامع تک‌نگاری‌های مهم داشتن، همچنین شاخص جامعیت عناوین، قدمت و شهرت از زمره شرایط زمینه‌ای در این نظریه است.

عوامل و شرایط میانجی و مداخله‌گر<sup>۱</sup>: مراد مواردی هستند که بر اتخاذ راهبردها و استراتژی کنش‌ها تأثیرگذارند. این شرایط به عوامل و عناصری مناسب یا نامناسب اشاره دارند که اثرات یک یا چند عامل تغییر را کندتر یا فعال‌تر می‌سازند. در این تحقیق، عواملی چون شخصیت اخلاقی و خلیات نویسنده، یا عوامل سیاسی و اقتصادی، حریت و آزاداندیشی نویسنده، تعصب فرقه‌ای یا مذهبی، مراد است که با توانمندی یا ظرفیت نویسنده در مواجهه با تحقیر، تطمیع، تهدید، کرامت، وعده و وعید، اعتبار علمی و سیاسی ... ارتباط دارد. این موارد می‌تواند و ممکن است بر تغییر و تطور مورد نظر در اندیشه و نگارش نویسنده اثرگذار بوده و سرعت تطورات اندیشه‌ای و متنی را کند یا تند نماید. پدیده (کنش و تغییر حاصل شده): در نتیجه شرایط پیش گفته به وجود می‌آید که در این تحقیق، تغییر و تطور حاصل در سیر نگارش‌های کتب علوم قرآن و میزان تأثیرگذاری این منابع است؛ به طوری که برخی منابع، قدرت جریان‌ساز شدن در دوره خود و حتی دوره‌های بعد تا به حال را پیدا کرده‌اند.

تعامل (راهبردها):<sup>۲</sup> طبق نظر استراس و کوربین، راهبرد، سازوکار و تدبیری است که در برخورد با مسئله مورد بررسی به کار گرفته می‌شود (ر.ک: همان)؛ راهبردی برای

1. Interventional conditions.  
2. Action/ Interaction.

مدیریت موقعیت برای نویسندگان در مواجهه با عوامل تأثیرگذار در تغییر و تطور اندیشه‌ای و متنی و همچنین مخاطبان در مواجهه با متن مورد خوانش علوم قرآن اشاره دارد. پیامدها: زمانی که راهبرد یا عملی در پاسخ به موضوع یا مسئله‌ای اتخاذ شود، پیامدهایی به همراه دارد.

#### ۲-۴. راهبردها به عنوان بایسته‌ها

مجموعه راهبردهایی که برای مدیریت موقعیت برای نویسندگان کتب علوم قرآن در مواجهه با عوامل تأثیرگذار در تغییر و تطور اندیشه‌ای و متنی و همچنین مخاطبان در مواجهه با متن مورد خوانش علوم قرآن اشاره دارد.

گزاره‌های کلیدی این تحقیق که در نهایت دارای روند علی هستند و به عنوان راهبرد می‌توانند مورد استفاده قرار گیرند، عبارت‌اند از:

- هر چه نویسنده بتواند بدون تأثیرپذیری از تغییرات و اندیشه‌های بیرونی، علوم قرآن را نگارش کند، تطورات حاصل در نگارش‌ها بیشتر برآمده از تفاوت‌های فردی، شخصیتی، علمی و سلیقه‌ای نویسنده خواهد بود.

- هر چه نظام فکری و علمی نویسنده به طور دقیق و جامع در ابتدای نگارش تدوین شده و بر پایه تکنیک، مبانی و اصول منطقی علمی ارائه شود، کمتر تحت تأثیر نامطلوب اساتید و شاگردان و جو حاکم و دوره خود قرار گرفته و مبتنی بر قوام علمی و فکری نویسنده خواهد بود. مسلماً تأثیر از اساتید و هم‌عصران یا مصادر و نگارش‌های قبل، در اندیشه، مشی علمی و رویکرد نگارشی نویسنده تأثیر می‌گذارد و چه‌بسا این تأثیرات، مثبت و رو به رشد باشد. مراد از این راهبرد، قوام نظام فکری و علمی نویسنده برای دوری از تأثیرات منفی ناشی از شرایط آبی، احساسی، تعصبی، سیاسی و... است.

- هر چه شخصیت نویسنده، مستقل همراه با جسارت منطقی، حریت و آزاداندیشی باشد، کمتر تحت تأثیر تهدید حاکمان و امور سیاسی زمانه، تطمیع اقتصادی، مسائل به‌ظاهر مشهور، شیوع و رواج دیدگاه‌های دوره خود قرار می‌گیرد و در نتیجه به اصالت و هویت داده‌ها و محتوا اهتمام جدی دارد.

- هر چه شخص نویسنده همپای با رشد علمی، به رشد شخصیت علمی و اخلاقی خود همت گمارد، کمتر تحت تأثیر تهدید و تطمیع و تحقیر و... قرار گرفته و بیشتر به تعهد علمی و اخلاقی در نگارش خود پایند است.

- هر چه شخص نویسنده با کیاست و زیرکی و نکته‌سنجی، تغییرات و تحولات فرهنگی و اجتماعی خود را دنبال کند، کمتر تحت تأثیر جوانب غیر منطقی تحولات اجتماعی و فرهنگی قرار می‌گیرد.

- هر چه شخص و شخصیت نویسنده، فارغ از تعصب و خودرأیی و تکبر علمی باشد، در مواجهه با جریانات فکری و اندیشه‌ای صحیح، بیشتر تأمل کرده و اصول و مبانی منطقی آنان را ولو با فرض تغییر مبنای فکری و اندیشه خود می‌پذیرد.

- هر چه نویسنده در جوانب مختلفی از علوم مبرز باشد، توانمندی بیشتر برای جولان فکری خلاق و ایجاد تحول در علوم را داراست.

- هر چه نویسنده از نظر تأمین مالی مستقل و بر پایه توانمندی شخصی خود در کسب درآمد باشد، کمتر در معرض تطمیع اقتصادی و آسیب‌های حاصل از آن است.  
- اگر نویسنده در پست‌های سیاسی و حکومتی دوره خود باشد، احتمال وابستگی فکری و مالی و مذهبی و تأثیر در نگارش جهت‌دار او بیشتر است. در نتیجه پرهیز از این مناصب، شایسته‌تر است.

#### ۴-۳. پیامدها

اما مهم‌ترین پیامدهایی که برآمده از عوامل مذکور و راهبردهاست، بدین شرح است:  
- هر چه شرایط سیاسی، اجتماعی - فرهنگی، اقتصادی و سیاسی دوره نویسنده دارای تحول و تغییرات بیشتری باشد، تطورات در نویسنده و نگارش‌های او نیز زمینه بیشتری برای تأثیرپذیری او دارد. به عبارت دیگر، هموارتر بودن شرایط زندگی، فرهنگی اجتماعی، سیاسی، اقتصادی زمان نویسنده، موجب توسعه‌یافتگی فکری و تألیفی نویسنده می‌شود و پیامد آن چنین است:

= در تجمیع نگارش‌ها، نظام فکری مدون او مشخص‌تر می‌شود.

= آزادی فکری، علمی و نگارشی بیشتری برای او وجود دارد.

- هر چه نویسنده فرصت بیشتری برای ارتباط و تعامل علمی بین جریان‌های مختلف فکری، مسافرت‌های متعدد حتی مهاجرت را برای نگارش بهتر در دستور کار خود قرار دهد، تبادل نظری و گفت‌وگوهای علمی برای نویسنده وجود دارد. در نتیجه اقدام فوق: = افراد با رویه‌های مختلف و افکار متفاوت، امکان استفاده از نظرات علمی او را دارند و به رشد تأثیرگذاری نویسنده در دوره خود و دوره‌های بعدی کمک می‌کنند. (عدم تعصب مذهبی و حکومتی زمان نویسنده، عامل مهمی در این بخش است.) البته باید نسبت به دسته‌بندی‌های سیاسی، منزلتی، قومی و مذهبی و همچنین بر نفوذهای سیاسی، اقتصادی، موقعیت‌ها و مهارت‌های شخصی که در تأثیرگذاری بر ساختار اجتماعی و فکری نویسنده مؤثرند، دقت کرد.

= ویژگی‌های فردی نویسنده مبتنی بر تخصص، تعهد اخلاقی، عدم تعصب و خودرأیی، مهارت‌های علمی و روشی او، پایگاه قدرت بودن یا نبودن او به جهت نشر افکار، روحیه تعامل و جمع‌گرایی او برای تبادل و نشر افکار و نگارش او، خصوصیات علمی، فردی و خلقی او در جذب شاگردان و تلمذ از محضر او و دنبال کردن آثار او، در تغییر و تحولات نگارش‌های علمی علوم قرآن مؤثر است.

- تطورات موجود در سیر نگارش‌های علوم قرآن، بر اساس نویسنده و متن نگارشی اوست. عامل این تطور در مجموعه عوامل درونی و بیرونی مربوط به نویسنده و هویت نگارش او متمرکز است.

تحلیل تاریخی این تطور با حصول خودآگاهی علمی نسبت به عوامل مختلف دخیل در این تطور به دست می‌آید.

#### ۴-۴. الگوی عوامل تأثیرگذار در تطورات نگارشی کتب علوم قرآن

تحلیل‌ها و تفاسیر مبتنی بر داده‌های کیفی، از بررسی کتب و نویسندگان تأثیرگذار در سیر نگارش‌های کتب علوم قرآن قرون ۶ تا ۱۰ به دست آمد. در فرایند جمع‌آوری، تحلیل، مقابله، مقایسه، استنباط، تعیین عوامل علی، زمینه‌ای و مداخله‌گر و میانجی و عنایت به راهبردها و پیامدهای حاصل از آن، می‌توان مدل پارادایمی را با رعایت ترتیب عناصر، داده‌های مربوطه و مبتنی بر روش تحلیل نظریه‌مبنایی و رویکرد استراس و

**الگوی عوامل تأثیرگذار در سیر تطور نگارش‌های علوم قرآن (قرن ۶ تا ۱۰)**

**عوامل و شرایط علی:**  
 شخصیت و شأن فردی نویسنده، شخصیت و تخصص علمی نویسنده، عوامل فرهنگی اجتماعی نویسنده، همنشینان و تأثیرپذیری از مصادر و نویسندگان قبل و تأثیرگذاری بر مصادر و نویسندگان بعد، هویت و اصالت متن (ساختار و کارکرد و محتوا).

↓	↓	↓
<p><b>عوامل و شرایط میانجی:</b>                  شخصیت اخلاقی و خلیات نویسنده، عوامل سیاسی و اقتصادی، حریت و آزاداندیشی نویسنده، تعصب فرقه‌ای یا مذهبی.</p>	<p><b>پدیده:</b>                  تغییر و تطور حاصل در سیر نگارش‌های کتب علوم قرآن و میزان تأثیرگذاری این منابع است؛ به طوری که برخی منابع، قدرت جریان‌ساز شدن در دوره خود و حتی دوره‌های بعد تا به حال را پیدا کرده‌اند.</p>	<p><b>عوامل و شرایط زمینه‌ای:</b>                  شرایط و اقتضانات زمان و مکان جغرافیایی، مهاجرت و مسافرت‌های متعدد نویسنده، نبود کتاب جامع اما داشتن تک‌نگاری یا مقدمه مهم علوم قرآن، داشتن تک‌نگاری‌های مهم علاوه بر کتاب جامع، جامعیت عناوین، قدمت و شهرت.</p>

↓

راهبردها: مدیریت و کنترل برای عدم تأثیرپذیری از تغییرات بیرونی، نگاشت دقیق نظام فکری و علمی نویسنده قبل از نگارش، قوام فکری و تعامل با افراد و افکار مختلف و در عین حال عدم وابستگی به جریان‌های فکری، مسئله‌اندیشی و موضوع‌اندیشی از طرف نویسنده علوم قرآن با پشتوانه چارچوب مفهومی و نظری، تعامل با افراد و افکار مختلف و تأثیرپذیری به‌جا از اقتضانات، تثبیت و قوام فکری به دور از تعصب برای عدم وابستگی به جریان‌های فکری، تلاش برای کسب درآمد از طریق غیر علم و عدم وابستگی اقتصادی و سیاسی به حکومت و مردم، ترسیم نقشه راه اولیه موضوعات و عناوین جامع علوم قرآن، شبکه‌سازی بین منابع مهم در قرون مختلف، رونق منابع تأثیرگذار مثل **فنون الافسان** بین دانش‌پژوهان علوم قرآن.

↓

پیامدها: توسعه‌یافتگی فکری و علمی نویسنده، آزادی فکری و عملی و نگارشی بیشتر برای نویسنده، رشد مهارت‌های روشی و علمی در نگارش، تمرکز بر حل مسئله و حقیقت‌یابی موضوع فارغ از مذهب و تفکرات غالب، دستیابی به یک نظام فکری و نگارشی مطلوب و ارتقای ساختار و کارکرد و محتوای کتب علوم قرآن مبتنی بر چارچوب مفهومی و نظری قوی، گفتمان‌سازی در سطح ملی و اسلامی و بین‌المللی، ترویج و نشر آثار مهم و گمنام علوم قرآن.



## نتیجه گیری

این تحقیق به دنبال پاسخ به دو سؤال بود. در پاسخ به سؤال اول (عوامل مؤثر و غیر مؤثر در سیر نگارش های علوم قرآن قرون ۶ تا ۱۰ کدام اند؟) نتایج آن بدین شکل قابل توضیح است:

۱. از مجموع کدگذاری و طبقه بندی داده های حاصل از تحلیل تاریخی هشت کتاب از مهم ترین کتب علوم قرآن قرون ۶ تا ۱۰ و مؤلفان آنها و تحلیل مقایسه ای آنها، عوامل مؤثر در سیر تطور منابع، مقوله بندی شده و عوامل ۱۸ گانه به دست آمد.

۲. دستاورد این تحقیق آن است که عوامل مؤثر در سیر تطورات علوم قرآن را نظام داد. همچنین تلاش کرد میزان تأثیرگذاری عوامل تطور را در قیاس با یکدیگر بیان کند؛ لذا عوامل مؤثر و عوامل کم تأثیر و غیر مؤثر را از هم تفکیک کرد. حاصل تحلیل مقایسه ای برای رتبه بندی عوامل تأثیرگذار بر سیر تطور نگارش ها عبارت اند از:

- عوامل کارکرد کتاب، شخصیت فردی، محتوای کتاب، عوامل شخصیت و تخصص علمی نویسنده، شهرت نگارش و نویسنده، عوامل فرهنگی اجتماعی دوره نویسنده، عوامل اخلاقی نویسنده، همنشینان و تأثیرپذیری نویسنده از منابع و نویسندگان قبلی در نگارش یا تأثیرگذاری نگارش و نویسنده بر منابع و نویسندگان بعدی، ساختار کتاب و قدمت کتاب، به عنوان عوامل مؤثر با ضریب تأثیر بالا در تطورات هستند (ده عامل با ضریب تأثیر بالا):

- جامعیت و تعداد عناوین در یک منبع، عوامل زمان و بوم جغرافیایی، و عوامل زمینه ای، به عنوان عوامل با ضریب تأثیر متوسط هستند (سه عامل با ضریب تأثیر متوسط)؛

- تعصب فرقه ای و مذهبی، داشتن تک نگاری علاوه بر جامع نگاری، عوامل سیاسی، شرایط اقتصادی نویسنده و نبود کتاب جامع اما تک نگاری یا مقدمه مهم، به عنوان عوامل با ضریب تأثیر کم یا بدون تأثیر در نظر گرفته می شوند (پنج عامل با ضریب تأثیر کم یا بدون تأثیر).

۳. در نتیجه سیر تطور نگارش های علوم قرآن متأثر از عوامل موجود در شخص و

درون نویسندگان بر اساس مبانی و پیش‌فرض‌ها، مبنای فکری و تخصص علمی نویسندگان در سیر تاریخی نگارش علوم قرآن، مبانی کلامی و فلسفه علم نویسندگان، همچنین تأثیر پذیرفته از روش نویسندگان، منابع و اساتید نویسنده، و همچنین اندیشه‌های هم‌عصران بوده است. از طرفی عوامل بیرونی نویسنده بر اساس اوضاع و احوال فکری و فرهنگی روزگار (مسئله و دغدغه علمی آن روزگار)، بر اساس تأثیر شهرها و مناطق جغرافیایی در ادوار مختلف تاریخی، در این سیر تطور حائز اهمیت است.

البته در سهم تأثیر باید گفت که تأثیرگذاری عوامل مربوط به مبانی نویسنده، بیشتر از سهم تأثیر عوامل مربوط به مبادی اوست. نویسنده علاوه بر صاحب‌نظر بودن در مبانی، اصول و قواعد علوم قرآن، با توجه به نظریات، فرضیات و سلاقی خود، دست به گزینش عوامل شکل‌دهنده تقریرات علوم قرآن خود می‌زند و از همین روست که برخی نظرات متفاوت در کتب علوم قرآن منعکس شده است. با توجه به عوامل مؤثر در مبادی نویسندگان علوم قرآن و به خصوص اساتید و منابع در دسترس آنان که سهم بسزایی در مجرای فکری و اندیشه‌ای آنان داشته است، اکثریت عوامل ذکرشده در مقوله شخص، شخصیت، خلیقات نویسنده و به عبارتی عوامل درونی نویسنده، جزء عوامل مؤثر طبقه‌بندی می‌شود. اما عوامل مرتبط با مبانی نویسنده با ضریب تأثیر بالاتر، و عوامل مرتبط با مبادی نویسنده با ضریب تأثیر پایین‌تر لحاظ می‌شود که در برخی موارد به عنوان کم‌تأثیر نیز قابل محاسبه است. همچنین عوامل هویت و اصالت متن (ساختار، کارکرد و محتوای کتاب جامع) و عامل تأثیرگذاری بر منابع و نویسندگان برجسته دیگر و تأثیر پذیری از منابع و نویسندگان برجسته قبلی نیز قابل تأمل خواهد بود. قدمت، شهرت و جامعیت عناوین هم از زمره عوامل با ضریب تأثیر بالا هستند.

در راستای پاسخ به سؤال دوم (طبقه‌بندی و الگوی عوامل مؤثر در سیر تطور نگارش‌ها، در قالب چه نظریه‌ای قابل ارائه است؟) نتایج زیر قابل ارائه است:

۱. در این تحقیق پس از مفهوم‌سازی و مقوله‌بندی، به تبیین علی عوامل تأثیرگذار در تطورات سیر نگارش‌های تأثیرگذار علوم قرآن پرداخته شد. در راستای پاسخ به این سؤال، بررسی تطور منابع در دوره‌های مختلف قرون ۶ تا ۱۰، بسترهای موجود در هر فرهنگ (دوره، زمان و اعصار مختلف) مورد مطالعه قرار گرفت. سپس بر اساس

ترکیب و قیاس بسترهای فردی، علمی، فرهنگی اجتماعی، اقتصادی، حکومتی چندگانه در قرن‌های مختلف و با تمرکز بر نتایج حاصل از تحلیل منابع تأثیرگذار علوم قرآن، عوامل تطور در قالب عوامل و شرایط علی، زمینه‌ای، میانجی، راهبردها و پیامدها استخراج گردید.

۲. الگوی نهایی حاصل از فرایند این تحقیق در قالب نظریه مبنایی (GT) ارائه شده و اجزاء این نظریه به شرح زیر است:

عوامل علی عبارت‌اند از: شخصیت و شأن فردی نویسنده، شخصیت و تخصص علمی نویسنده، عوامل فرهنگی اجتماعی نویسنده، هم‌نشینان و تأثیرپذیری از مصادر و نویسندگان قبل و تأثیرگذاری بر مصادر و نویسندگان بعد، هویت و اصالت متن (ساختار و کارکرد و محتوا).

عوامل زمینه‌ای عبارت‌اند از: شرایط و اقتضائات زمان و مکان جغرافیایی، مهاجرت و مسافرت‌های متعدد نویسنده، نبود کتاب جامع اما داشتن تک‌نگاری یا مقدمه مهم علوم قرآن، داشتن تک‌نگاری‌های مهم علاوه بر کتاب جامع، جامعیت عناوین، قدمت و شهرت.

عوامل میانجی عبارت‌اند از: شخصیت اخلاقی و خلیات نویسنده، عوامل سیاسی و اقتصادی، حریت و آزاداندیشی نویسنده، تعصب فرقه‌ای یا مذهبی. همچنین راهبردها و پیامدهای متناسب نیز ارائه شده است.

کتاب‌شناسی

۱. ابن اثیر جزری، عزالدین ابوالحسن علی بن ابی‌الکرم محمد بن محمد بن عبدالکریم بن عبدالواحد شیبانی، *الکامل فی التاریخ*، بیروت، دار صادر، ۱۳۸۵ ق.
۲. ابن ادریس حلّی، محمد بن منصور بن احمد، *موسوعة ابن ادریس حلّی*، تحقیق محمدمهدی خراسان، قم، دلیل ما، ۱۳۸۶ ش.
۳. ابن جوزی، ابوالفرج عبدالرحمن بن علی بن محمد، *المنتظم فی تاریخ الملوک والامم*، تحقیق حسن عیسی علی الحکیم، بیروت، دار المعرفه، ۱۴۰۵ ق.
۴. همو، *زاد المسیر فی علم التفسیر*، تحقیق مهدی عبدالرزاق، بیروت، دار الکتب العربی، ۱۴۲۲ ق.
۵. همو، *فنون الاقنآن فی عجائب علوم القرآن*، تحقیق محمد ابراهیم سلیم، قاهره، مکتبه ابن سینا، ۱۴۰۸ ق.
۶. ابن طاووس، سید رضی‌الدین ابوالقاسم علی بن موسی بن جعفر بن محمد، *سعد السعود للنفس*، قم، رضی، ۱۳۶۳ ش.
۷. ابن عماد حنبلی، شهاب‌الدین ابوالفلاح عبدالحی بن احمد بن محمد عکری، *شذرات الذهب فی اخبار من ذهب*، دمشق، دار ابن کثیر، ۱۹۸۶ م.
۸. ابوالمعالی، خدیجه، *پژوهش کیفی از نظریه تا عمل*، تهران، علم، ۱۳۹۱ ش.
۹. ابوشامه مقدسی، شهاب‌الدین عبدالرحمن بن اسماعیل بن ابراهیم، *المرشد الوجیز الی علوم تتعلق بالکتاب العزیز*، تحقیق ابراهیم شمس‌الدین، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۳۹۵ ق.
۱۰. استراس، آنسلم، و جولیت ام. کوربین، *اصول روش تحقیق کیفی؛ نظریه مبانی - اصول و شیوه‌ها*، ترجمه بیوک محمدی، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۸۵ ش.
۱۱. افندی اصفهانی، میرزا عبدالله، *ریاض العلماء و حیاض الفضلاء*، قم، مطبعة الخیام، بی تا.
۱۲. اقبال آشتیانی، عباس، *تاریخ مغول*، تهران، نگاه، ۱۳۸۹ ش.
۱۳. ایازی، سیدمحمدعلی، *المفسرون؛ حیاتهم و منهجهم*، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۴۱۴ ق.
۱۴. بحرانی، یوسف بن احمد، *لؤلؤة البحریین فی الاجازات و تراجم رجال الحدیث*، تحقیق و تعلیق سیدمحمدصادق بحر العلوم، بی تا.
۱۵. پاکتچی، احمد، *تاریخ تفسیر قرآن*، تنظیم محمد جانی پور، تهران، دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۹۲ ش.
۱۶. حاجی خلیفه (کاتب چلبی)، مصطفی بن عبدالله، *کشف الظنون عن اسامی الکتب و الفنون*، بیروت، دار الفکر، ۱۹۸۲ م.
۱۷. حیدر، حازم سعید، *علوم القرآن بین البرهان و الاتقان*، مدینه، دار الزمان، ۱۴۲۷ ق.
۱۸. داوودی، شمس‌الدین محمد بن علی بن احمد، *طبقات المفسرین*، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۰۳ ق.
۱۹. ذهبی، شمس‌الدین محمد بن احمد بن عثمان، *تاریخ الاسلام و وفيات المشاهیر و الاعلام*، تحقیق عمر عبدالسلام تدمری، بیروت، دار الکتب العربی، ۱۴۱۳ ق.
۲۰. همو، *تذکره الحفاظ*، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۹ ق.
۲۱. رحیم‌لو، یوسف، «ابوشامه مقدسی»، *دائرة المعارف بزرگ اسلامی*، زیر نظر سیدمحمدکاظم موسوی بجنوردی، تهران، مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۷۸ ش.
۲۲. زرقانی، محمد عبدالعظیم، *مناهل العرفان فی علوم القرآن*، بیروت، دار المدار الاسلامی، ۲۰۰۱ م.
۲۳. زرکشی، بدرالدین محمد بن بهادر بن عبدالله، *البرهان فی علوم القرآن*، ترجمه حسین صابری، تهران، انتشارات علمی فرهنگی، ۱۳۹۳ ش.

۲۴. همو، البرهان فی علوم القرآن، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، مصر، بی‌نا، ۱۳۷۶ ق.
۲۵. همو، البرهان فی علوم القرآن، بیروت، چاپ یوسف عبدالرحمان مرعشلی، ۱۴۱۰ ق.
۲۶. زرکلی، خیرالدین، الاعلام، بیروت، دار العلم للملایین، ۱۹۸۹ م.
۲۷. سیوطی، جلال‌الدین عبدالرحمن بن ابی‌بکر، الاتقان فی علوم القرآن، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۳۸۷ ق.
۲۸. همو، معترك الاقران فی اعجاز القرآن، تحقیق احمد شمس‌الدین، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۹۸۸ م.
۲۹. شریف، میرمحمد، تاریخ فلسفه در اسلام، ترجمه نصرالله پورجوادی، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۰ ش.
۳۰. شمس‌الدین سخاوی، محمد بن عبدالرحمن، الضوء اللامع لاهل القرن التاسع، قاهره، بی‌نا، ۱۴۲۸ ق.
۳۱. صادقی کاشانی، مصطفی، تاریخ‌نگاری ابن طاووس، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۹۴ ش.
۳۲. صفا، ذبیح‌الله، تاریخ علوم عقلی در تمدن اسلامی، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۴ ش.
۳۳. علم‌الدین سخاوی، ابوالحسن علی بن محمد بن عبدالصمد، جمال‌القراء و کمال‌الإقراء، تحقیق عبدالحق عبداللدام سیف‌القاضی، بیروت، مؤسسه الکتب الثقافیه، ۱۴۱۹ ق.
۳۴. فاختوری، حتا، و خلیل‌الجز، تاریخ فلسفه در جهان اسلامی، ترجمه عبدالمحمد آیتی، تهران، علمی فرهنگی، ۱۳۹۳ ش.
۳۵. فیروزآبادی، ابوظاهر مجدالدین محمد بن یعقوب، بصائر ذوی التمییز فی لطائف الکتب العزیز، تحقیق محمد علی نجار، قاهره، وزارت اوقاف، ۱۴۱۶ ق.
۳۶. کافیجی، محیی‌الدین محمد بن سلیمان، التیسیر فی قواعد علم التفسیر، تحقیق مصطفی محمد حسین ذهبی، قاهره، مکتبه المقدسی، ۱۴۱۹ ق.
۳۷. همو، التیسیر فی قواعد فی علم التفسیر، تحقیق ناصر بن محمد مطرودی، دمشق، دار القلم، ۱۴۱۰ ق.
۳۸. کحاله، عمر رضا، معجم المؤلفین؛ تراجم مصنفی الکتب العربیه، چاپ افست، دمشق، المکتبه العربیه، ۱۹۵۷ م.
۳۹. کلبرگ، ایتان، کتابخانه ابن طاووس و احوال و آثار او، ترجمه علی قرایی و رسول جعفریان، قم، کتابخانه آیه‌الله مرعشی نجفی، ۱۳۷۱ ش.
۴۰. گلشنی، علیرضا، و محمدرضا قانادی، «روش تلفیقی برابند نقد روش‌های کمی و کیفی»؛ فصلنامه روش‌ها و مدل‌های روان‌شناختی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال دوم، شماره ۹، پاییز ۱۳۹۱ ش.
۴۱. متز، آدام، تمدن اسلامی در قرن چهارم هجری، ترجمه علیرضا ذکاوتی قراگزلو، تهران، امیرکبیر، ۱۳۹۴ ش.
۴۲. محسنی تبریزی، علیرضا، روش تحقیق کیفی در مکاتب تفسیری (زمینه و کاربرد)، تهران، اطلاعات، ۱۳۹۵ ش.
۴۳. محمدپور، احمد، روش تحقیق کیفی؛ ضد روش، تهران، جامعه‌شناسان، ۱۳۹۲ ش.
۴۴. مقدسی، ابوعبدالله محمد بن احمد، احسن التقاسیم فی معرفه الاقالیم، ترجمه علینقی منزوی، بخش اول، تهران، شرکت مؤلفان و مترجمان ایران، ۱۳۶۱ ش.
۴۵. مک‌اولیف، جین دمن، «گذری بر علوم قرآن با تکیه بر برهان و اتقان»، ترجمه مهرداد عباسی، دوم‌هنامه آینه پژوهش، شماره ۱۲۳، مرداد و شهریور ۱۳۸۹ ش.
۴۶. مکی، محمدکاظم، تمدن اسلامی در عصر عباسیان، ترجمه محمد سپهری، تهران، سمت، ۱۳۸۴ ش.

۴۷. موسوی خوانساری اصفهانی، سیدمحمدباقر، *روضات الجنات فی احوال العلماء والسادات*، تحقیق اسدالله اسماعیلیان، قم، اسماعیلیان، ۱۳۹۰ ش.
۴۸. موسوی دارابی، سیدعلی، *نصوص فی علوم القرآن*، با اشراف محمد واعظزاده خراسانی، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۴۲۲ ق.
۴۹. مهدوی راد، محمدعلی، *سیرنگارش‌های علوم قرآنی*، تهران، هستی‌نما، ۱۳۸۴ ش.
۵۰. نحوی، سیدسیف‌الله، *آل بویه، حامیان فرهنگ تشیع*، قم، سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۸۱ ش.
۵۱. یوسفی اشکوری، حسن، «آل طاووس»، *دائرة المعارف بزرگ اسلامی*، تهران، مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۶۸ ش.



## موجز المقالات

### الأمن في القرآن الكريم؛

#### دراسة تحليلية دلالية على ضوء نظرية الاستعارة التوجيهية

- محمّد حسين شيرزاد (دكتوراه في علوم القرآن والحديث بجامعة الإمام الصادق عليه السلام)
- محمّد حسن شيرزاد (دكتوراه في علوم القرآن والحديث بجامعة الإمام الصادق عليه السلام)
- محمّد شريفى (أستاذ مشارك في قسم علوم القرآن والحديث بجامعة مازندران)

إنّ «الأمن» إحدى الحاجات الرئيسة للمجتمعات البشرية وأولها القرآن الكريم عناية فائقة. وعلى الرغم من أنّ ثلّة من الباحثين كرسوا بحوثهم على دراسة التعاليم الأمنية في هذا السفر المقدّس إلّا أنّ مراجعة بحوثهم تثبت أنّ معظم اهتمامهم انصرف إلى آيات تتناول إدارة مخاوف الإنسان وهواجسه الدنيوية مباشرة؛ ومنها الآية ٦٠ لسورة الأنفال المباركة. بينما هناك كمّ هائل من التعاليم القرآنية المتعلقة بالأمن، ليس في الاستخدام الحقيقيّ للألفاظ وإنّما في سياق تعبيرات استعارية بديعة. ومن أجل دراسة تلك التعبيرات الاستعارية، حاولت هذه المقالة بمقارنتها الدلالية المعرفية أن تلقى الضوء على دور الجهات الستّ في بناء الاستعارات المفهومية للأمن والفلتان الأمنى. أثبتت

هذه الدراسة أنّ الأمن في التعبير القرآنيّ يتمثّل في الجهات الثلاثة: الأعلى والأمام واليمين؛ بينما الفلتان الأمنيّ يُعبّر عنه بالجهات الثلاثة الأسفل، والوراء، واليسار. المفردات الرئيسة: لغة القرآن، علم الدلالة المعرفيّة، الاستعارة المفهوميّة، الاستعارة التوجيهيّة، الجهات الستّة.

## مكانة حاجات الإنسان الأساسيّة في آيات القرآن، في ضوء نظريّة يوهان غالتونغ حول السّلم والعنف

- أحمد عليّ صاحب ناسي (طالب دكتوراه في علوم القرآن والحديث بجامعة أصفهان)
- محمّد رضا حاجي إسماعيليّ حسين آبادي (أستاذ في قسم علوم القرآن والحديث بجامعة أصفهان)
- مهديّ مطيع (أستاذ مشارك في قسم علوم القرآن والحديث بجامعة أصفهان)

ليست الحرب في وجهة نظر «يوهان غالتونغ» إلا شكلاً من أشكال العنف، وإنّ السلام لا يُنال بترك النزاع والخصام؛ بل يستقرّ في غياب العنف. يعدّ غالتونغ العنف «اختلالاً وضراً يمكن تفاديه في سبيل تلبية حاجات الإنسان الرئيسة». ومن هذا المنظور فإنّ العنف هو الجور وغياب العدل، وإنّ كلّ عنفٍ بداية سلسلة متوالية من أعمال العنف التالية. إذن لا بدّ من كسر حلقة العنف لنيل السلام. وذلك لا يتيسّر إلاّ بقطع العلاقات الظالمة القائمة على التمييز بين الشعوب. ويرى أنّ الثقافة مصدر هذه العلاقات، وأنّ الدين باعتباره عنصراً جوهرياً للثقافة، يؤدّي دوراً حاسماً في إقرار السلام أو نشر العنف. السؤال الجوهرى لهذه المقالة هو: ما هي مكانة حاجات الإنسان الأساس في التعاليم القرآنيّة؟ هل يحترم القرآن هذه الحاجات ويعترف بها؟ الإجابة عن هذا السؤال بنعم تعني أنّ التعاليم الإسلاميّة سلميّة تناشد الصلح، بينما تفيد الإجابة السلبية بأنّ تلك التعاليم عنيفة معارضة للصلح. وخلصت هذه الدراسة الوصفية التحليلية إلى أنّ حاجات الإنسان الجوهرية تحتلّ مكانة سامية في القرآن، وأنّ تجاوز «الفساد» و«السيئة» و«العنف»، وتجاوز «المحاربة بغية الفساد في الأرض» و«الإرهاب» مؤشّر على إرادة الإسلام لمكافحة العنف والإرهاب.

المفردات الرئيسة: الإسلام، العنف، السلام، القرآن، الحاجات الأساس، يوهان غالتونغ.



## دراسة في مفهوم النظام القرآني للتأمين الاجتماعي

### في ضوء مفهوم الحياة الطيبة

- مهديّ عبد اللّهيّ پور (أستاذ مساعد بجامعة علوم ومعارف القرآن الكريم)
- سيّد محمّد نقيب (أستاذ مساعد بجامعة علوم ومعارف القرآن الكريم)
- عليّ غضنفری (أستاذ مساعد بجامعة علوم ومعارف القرآن الكريم)
- عليّ زُهراب (طالب دكتوراه في التفسير المقارن بجامعة علوم ومعارف القرآن الكريم)

عادة يُختَرَل المفهوم السائد للتأمين الاجتماعيّ، في دعم الحكومات المعيشي لأبناء المجتمع. ومفهوم التأمين الاجتماعيّ وإن كان مستوحى من تعريف معاصر ومصطلح عليه وفي الرؤية الغربيّة العلمانيّة لحاجات الإنسان الماديّة؛ إلاّ أنّه يبدو أنّ هذا الموضوع لن يعيق بحال تقديم مفهوم جديد عن هذا المصطلح. تركّزت هذه الدراسة الوصفية التحليلية بالتحديد على أنّه كيف يمكن صياغة مفهوم عن التأمين الاجتماعيّ، على أن يكون قائماً على الحياة السعيدة المرجوة ومستلهمًا من التعاليم القرآنيّة؟ عرض القرآن الكريم نمط حياة للإنسان وعبر عنه بـ«الحياة الطيبة» التي تميّز بسماوات، منها أنّها حياة دائمة، ونابعة من مراتب الإيمان وتجسيد للعمل الصالح، وحياة كريمة آمنة تجلب الهدوء والاطمئنان، وحافلة بالسعادة والسرور. في هذا النمط ليس تأمين الحياة الماديّة والمعاش مغفولاً فحسب؛ يُعدّ من أهمّ عناصره ومقوماته. من جانب آخر، بما أنّ هناك مقاربات شتىّ تجاه كرامة الإنسان تناشد حتّى في مفهومها السائد، ضمان الكرامة الإنسانيّة، وبما أنّ هذا الهدف السامي من الأهداف الرئيسيّة لهدى القرآن الكريم، فإنّ النظام القرآنيّ للتأمين الاجتماعيّ يرتبط ارتباطاً وثيقاً بمفهوم الحياة الطيبة باعتبارها حياة الإنسان المنشودة. وزبدة القول أنّ هذا النظام نظام متناغم مع الحياة الطيبة تحاول تأمين كرامة الإنسان الاجتماعيّة وأمنه وطمأننته في كلتا الدارين، والدولة الإسلاميّة بوصفها السلطة الحاكمة وأقوى كيان اجتماعيّ، لها الدور الأبرز في تأمينها؛ بحيث يمكن القول بأنّ الدولة الإسلاميّة، هي دولة النظام القرآنيّ للتأمين الاجتماعيّ.

المفردات الرئيسيّة: التأمين الاجتماعيّ، دراسة المفهوم، النظام القرآنيّ، الحياة الطيبة.

## دراسة أساليب القرآن الكريم في الإقناع حول القيامة

- سحر مصلى نجاد (ماجستير اللسانيات بجامعة بيار نور بشيراز)
- محمد هادي فلاحى (أستاذ مساعد بالمركز الإقليمي للإعلام العلمى والتقنى بشيراز)
- بهزاد مریدی (أستاذ مساعد فى قسم اللسانيات واللغات الأجنبية بجامعة بيار نور بشيراز)

استخدم الله تعالى فى القرآن أساليب شتى لإقناع المتلقى وإثبات حقايقته كلامه. فعملية الإقناع تُعدّ من أكثر مباحث تحليل الخطاب تداولاً، وتُستخدَم لأجل ضبط ذهن المتلقى وإلقاء الرسالة. سلّطت هذه الدراسة الضوء على أساليب الإقناع وكيفية استخدامها لتشجيع المتلقى على متابعة موضع القيامة فى كلّ من سورة القيامة والواقعة والغاشية والنبأ وعبس، واستخدمت فى دراسة مقومات الإقناع وعناصره نموذج هاولند ونموذج استعراض الحقيقة للتفسير المعرفى. واعتمدت الدراسة ترجمة القرآن لآية الله مكارم شيرازى، وأيضاً ترجمة تفسير الميزان وتفسير النور. أثبتت النتائج المستخلصة عبر المنهج الوصفى التحليلى استخدام جميع أجزاء النموذجين فى السور المذكورة كلّها. وعلى أساس نموذج هاولند تضمّن هذه السور استدلالات كثيرة، والتخويف والتهديد والسؤال والإجابة أكثر من آليات الإقناع الأخرى. ونظراً لإقامة الأدلة الكثيرة فى جميع السور المذكورة، فقد تبين أنّ الأسلوب المركزى الذى يؤكّد على محتوى الرسالة الاستدلاليّ، أكثر استخداماً، الأمر الذى يدلّ على المقاربة القرآنية الإقناعية القائمة على التفكّر.

المفردات الرئيسية: الخطاب، الإفحام، الإقناع، القرآن، القيامة.

## نمط فى تطوّر علم تناسب السور القرآنية:

### تناسب سورتي الفتح ومحمد ﷺ نموذجاً

- صديقه جنتى فيروز آبادى (ماجستير فى علوم القرآن والحديث بجامعة ميبد)
- أحمد زارع زردينى (أستاذ مشارك فى قسم علوم القرآن والحديث بجامعة ميبد)
- كمال صحرائى أردكانى (أستاذ مساعد فى قسم علوم القرآن والحديث بجامعة ميبد)

تشكّل معرفة تناسب السور القرآنية والسعى إلى دراسة بنيتها الهندسية أحد اهتمامات الباحثين المعاصرين من أجل اعتمادها فى مختلف البحوث التفسيرية والكلامية. ومن

مجالات البحث في علم التناسب الأطلاق على معطيات الباحثين القدامى والمعاصرين والجمع بينها وبالتالي تقديم حلول في العلوم القرآنية. يُعَدُّ الدراسة الخطّية أو «ترتيب السور» و«تناسب السور» من الاتجاهات القديمة في علم التناسب، وهو اتّجاه خطّي تمامًا. وما زال هذا الاتّجاه له أنصار ومؤيّدون. تسعى هذه الدراسة إلى تطوير هذا الاتّجاه في دراسة بنية القرآن الكريم عبر الجمع بين معطيات البحوث القديمة والجديدة، وتطبيق تلك المعطيات في تحليل الترابط القائم بين سورتي محمد ﷺ والفتح. تدلّ نتائج هذه الدراسة على وجود علاقات مختلفة من الصلات اللفظية والدلالية على المستوى الصغير والكبير. وتشير نتائج هذه الدراسة إلى توفير المجال الأحسن لفهم أمثل للسورتين، وإيضاح أفضل للبنية النصّية للقرآن الكريم، وتقديم ردود دامغة على الشبهات المتعلقة بتعددية بنية (نصّ) القرآن الكريم، وإماطة اللثام عن جماليّاته.

المفردات الرئيسة: سورة محمد ﷺ، سورة الفتح، العلاقات النصّية، تناسب سور القرآن، معرفة بنية القرآن.

## نمط العوامل المؤثّرة في مسار التّأليف في العلوم القرآنية

### (من القرن ٦ حتّى ١٠) في سياق النظرية البنائية

- نجمة نجم (طالبة دكتوراه بجامعة آزاد الإسلامية، فرع علوم وتحقيقات، طهران)
- مهديّ مهريزيّ طرفي (أستاذ مشارك بجامعة آزاد الإسلامية، فرع علوم وتحقيقات، طهران)
- محمد عليّ مهديويّ راد (أستاذ مشارك بمجمّع فاريبي التابع لجامعة طهران)
- سيّد محمد عليّ أيازي (أستاذ مساعد بجامعة آزاد الإسلامية، فرع علوم وتحقيقات، طهران)

تدرس هذه المقالة من خلال المقاربة التفسيرية الفكرية العلمية والاجتماعية العوامل المؤثّرة في التطوّرات الطارئة على التّأليف في علوم القرآن. رأت ثمانية كتب في علوم القرآن النور طوال القرن ٦ حتّى ١٠ للهجرة، وتركت بصماتها على تلك الحقبة، فلذلك استأثرت باهتمام البحث. تبنت المقالة منهج البحث الوثائقي والتحليل التاريخي في عملية البحث، كما اعتمدت في تحليل البيانات والمعلومات وعرض النمط النهائي، النظرية البنائية (GT). وظهرت نتائج البحث في ١٨ موضوعاً في مسار التطور وتمّ

تصنيف الموضوعات المذكورة على وفق مدى تأثير العوامل، المدى العالی والمتوسط والقصير. والجدير بالذكر أنّ النمط النهائي للعوامل المؤثرة في مسار تطوّر التأليف في علوم القرآن تمّ في سياق النظرية البنائية التي تتكوّن من أجزاء هي: العوامل العلية بما فيها شخصية المؤلّف، واختصاصه العلمي، والعوامل الثقافية الاجتماعية لعصر المؤلّف، معاصروه وتأثره بما سبقه من الكتاب والمصادر، وتأثير المؤلّف في ما تلاه من الكتاب والمصادر، هوية النصّ وثاقته (بما فيها هيكلته ووظائفه ومحتوياته). العوامل السياقية أو الظرفية مثل الظروف الزمكانية، هجرة المؤلّف وأسفاره المتعدّدة، شمولية عناوين المصدر، قَدَم واشتہار الكتاب ومؤلفه. أمّا العوامل الوسيطة فهي كالمسلمات الأخلاقية للمؤلّف، والعوامل السياسية والاقتصادية لعصره، حرّية المؤلّف الفكرية أو تزمته. هذا وتطرّق البحث إلى الإستراتيجيات ونتائجها أيضًا.

المفردات الرئيسية: علوم القرآن، التحليل التاريخي، العوامل المؤثرة، تطوّر التأليف، النظرية البنائية، القرن ۶ حتى ۱۰.

### منهج ونموذج نويورت في استعراض العملية التواصلية في القرآن

- علىّ راد (أستاذ مشارك بمجمّع فارابی التابع لجامعة طهران)
  - سيّد محمّد موسىّ مقدّم (أستاذ مشارك بمجمّع فارابی التابع لجامعة طهران)
  - مريم سرخيل (دكتوراه في علوم القرآن والحديث بمجمّع فارابی التابع لجامعة طهران)
- استأثرت دراسة العلاقة بين القرآن والكتاب المقدّس باهتمام الباحثين الغربيين. ومنهم الباحثة آنجليكا نويورت التي تناولت هذه العلاقة في دراستها القرآنية بمقاربة لسائبة. انتقدت نويورت البحوث التي تزعم أنّ القرآن استنساخ عربيّ للإنجيل أو المسيحية، وعدت القرآن كتابًا مقدّسًا مستقلًّا جسّد ذروة القدسية في الكتب السماوية من جهة، واستطاع تطبيق أهدافه الدينية. درست نويورت عملية توجيه الخطاب في القرآن إلى المتلقّي بشكل شفهيّ وبمثابة مسرحية. إنّها تعدّ القرآن نصًّا تواصلياً يتعامل مع المتلقّين، والذي تمكّن من الردّ على إشكاليّاتهم وأسئلتهم. استعرض الباحثون في هذه المقالة الوصفية التحليلية في البداية نظرية نويورت، وأيضا نظرية الفعل التواصلية ليورغن هابرماس، ثمّ سلطوا الضوء على تطبيق نويورت لنظرية هابرماس. أظهرت نتائج البحث

أن نويورت استفادت من «نظريّة الفعل التواصلي» لهابرماس . حاولت نويورت أن تثبت تفرد القرآن واستقلاله إلا أن جهودها تعثرت في الدراسة التزامنيّة القائمة على السورة القرآنيّة، حيث اشتبهت في بعض المواطن مع المقاربة المسيحيّة.

المفردات الرئيسيّة: نويورت، هابرماس، العمليّة التواصليّة، القرآن، الأدبيّ، التناصّ، الأرضيّة التاريخيّة.

## تطبيق مقاربة «البنية المعرفيّة» في أساليب تعليم القرآن في سياق التعلّم ذي المعنى

- زهراء صفيان جوزدانيّ (ماجستير في العلوم والمعارف القرآنيّة)
- رضا سعادت نيا (أستاذ مساعد بجامعة علوم ومعارف القرآن الكريم، كليّة أصفهان)

ارتكزت هذه الدراسة على أهميّة البنية المعرفيّة وتعزيزها في نطاق النشاطات التعليميّة. والبنية المعرفيّة هي الطريقة التي ينظّم المتعلّم معلوماته وبياناته العلميّة في ذهنه. يسفر تكوين البنية المعرفيّة وتعزيزها إلى نتائج بارزة، منها جعل التعلّم ذا معنى، يعني ربط المعطيات العلميّة الجديدة بالمرتكزات العلميّة السابقة في بنية المتعلّم المعرفيّة، بحيث كلّما كانت هذه الصلة أوثق وأمتن، ازداد الإدراك عمقًا. وعلى وفق الآية ٩ لسورة الإسراء: ﴿إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ...﴾ نؤمن بأنّ القرآن الكريم يعرّف بأساليبه في سياق مهمّته التعليميّة والهدى الأقوم. ولذلك فإنّ هذه المقالة الوصفية التحليليّة بصدد استخلاص الأساليب القرآنيّة في تكوين البنية المعرفيّة وتعزيزها وإيضاح مكانة البنية المعرفيّة في عمليّة التعلّم، عبر التأمل في القرآن ونصوص التربية والتعليم. أظهرت نتائج هذه الدراسة أنّ تكوين البنية المعرفيّة وتعزيزها في القرآن يخضع لمناهج وإستراتيجيات تشتمل على كلّ من: تناول المحتوى في سياق الأحداث، وتوفير الأرضيّة خلال الحوار مع الآخرين، وتوفير الأرضيّة عبر السرد القصصيّ، تعدديّة وجوه الحوار المباشر مع المتلقّي، ربط الكلام إلى الأركان البارزة للكلمات السابقة، وإدخال عنصر العاطفة، مثل التصوير، والتكرار الإيقاعيّ، في إطار هرم البنية المعرفيّة.

المفردات الرئيسيّة: القرآن، تعزيز البنية المعرفيّة، التعلّم ذو المعنى، أوزوبل.

## آراء أبي القاسم الكعبي البلخيّ التفسيرية، دراسة تحليلية

- حسن خرقانيّ (أستاذ مشارك بالجامعة الرضوية للعلوم الإسلامية)
  - علي أكبر رستمی (أستاذ مساعد بالجامعة الرضوية للعلوم الإسلامية)
  - سيد محمد عليّ فهمي (طالب دكتوراه في علوم القرآن والحديث بالجامعة الرضوية للعلوم الإسلامية)
- علم التفسير مدين لمساعي مفسرين قاموا بشرح كتاب الله وتبيينه. ضاعت بعض تلك التفاسير؛ لكن آراء أصحابها حول بعض الآيات ما زالت تحتفظ بها المصادر. ومنهم أبو القاسم الكعبيّ البلخيّ المتكلم والمفسر المعتزليّ. تتناول هذه المقالة الوصفية التحليلية بعض آراء الأخير التفسيرية، ويتضح في ضوئها أنه يفسر الآيات بالمنهج القرآنيّ العقليّ، ويولي السياق ودقائق التعبير أهميّة كبيرة في فهم مراد الله تعالى. ومن هنا يرى أنّ المقصود بالكلمات التي ابتلى الله بها إبراهيم عليه السلام، هو الإمامة والتي أتمها الله سبحانه. كما أنه يعرض عن القول المشهور في سورة القيامة، متبنيًا ويعتقد أنّ المقصود بالقرآن هو قراءة كتب الأعمال. تحظى الاستدلالات العقلية والكلامية بمكانة متميزة عنده، حيث إنه يرى أنّ آدم عليه السلام قبلة الملائكة وليس مسجودهم، وجنة آدم أرضية، كما أنه لا يقبل «عالم الذر»، ويعتبر عقول بني آدم شاهدًا على ربوبية الله. إلى ذلك لا يرى الحكومة والخلافة شرعية للكفار والظالمين كونها عهدًا إلهيًا. ومن مباحثه التفسيرية قراءات القرآن وفقهه أيضًا.
- المفردات الرئيسة: أبو القاسم الكعبيّ البلخيّ، تفسير القرآن، المواقف التفسيرية، المناهج والاتجاهات التفسيرية.

## تقرير غير واعد عن المعاد

### على أساس معادلة الرجاء للتصديق في الآية ۷ لسورة يونس

- سيّدة فاطمة كيانی (ماجستير في علوم القرآن والحديث بجامعة قم)
  - سيد قاسم كيانی (مدرّس المستويات العليا للعلوم العقلية بحوزة قم العلمية)
- ذكر المفسرون في إيضاح مادة «الرجاء» في قوله تعالى: ﴿لَا يَرْجُونَ لِقَاءَنَا﴾ (يونس / ۷) احتمالات شتى مثل الخوف والطمع والتوقع والتصديق. وعلى الرغم من أنّ «التصديق» من مدلولات يبدو ضروريًا إيضاح علاقته الدلالية مع الرجاء للتباعد الدلاليّ بين دلالاته الوضعية والرجاء، إلا أنّ المفسرين لم يتطرقوا إلى ذلك، الأمر الذي جعل جواز حمل

التصديق على الآية مكتنفًا بضابيّة. وهناك إشكالية ثانية في معظم التفسيرات السابقة بما فيها «التصديق»، وهي عدم العناية بالطابع التحفيزي للآية في الدعوة إلى النزعة الأخروية المتفائلة بدلاً من القناعة العقلية بالآخرة، لكن لم تعتن التفسيرات بهذه النقطة على الرغم مما يؤيدها مثل تخيّر مفردات الآية ونظمها. بتعبير أوضح حينما يقرأ المتلقّي التفسير ينصرف ذهنه إلى الإيمان بالمعاد والتداعيات الخطيرة لرفض المعاد بوصفهما مبدأ عقائديًا، في حين تسعى الآية إلى فتح نافذة أخرى على المتلقّي لا تقدّم المعاد في سياق قناعة ومبدأ عقائديّ لازم الطاعة، كما أنّ الآية بصدد لفت انتباه المتلقّي إلى الأمل والتفاؤل في المعاد، أو بتعبير أوجز إلى النزعة الأخروية لا إلى الإيمان بالمعاد. قدّم هذا البحث تقريرًا تحليليًا عن الرأي القائل بمعادلة الرجاء للتصديق، والادّعاء القائل بأنّ هذه الآية بفكرتها الرئيسة وهي المعاد، بصدد ترسيخ النزعة إلى الحياة الأخروية وليست تكوين رؤية أو فكرة عنها. المفردات الرئيسة: الرجاء، التصديق، المعاد، الإيمان.

## دراسة ونقد في آراء المفسّرين حول

### «آيات النهي عن التعجيل في الوحي»

□ سيّد روح اله دهقان باغی

□ أستاذ مساعد في قسم المعارف بجامعة شيراز الطبيّة

تعدّدت التفسيرات الشيعيّة والسنيّة للآيات ١٦ حتّى ١٩ لسورة القيامة والآية ١١٤ لسورة طه، والتي تنهى الرسول الأعظم صلى الله عليه وآله عن التعجيل في قراءة القرآن. أطلق الباحث في هذه المقالة على تلك الآيات «آيات النهي عن التعجيل في الوحي». وظهرت ستّة آراء للمفسّرين عن الآيات المذكورة بعد دراسة في أمّهات تفاسير الفريقين، حيث إنّ الرأي الأوّل المتفق عليه شيعيًّا وستّة، قائم على النهي عن التعجيل في قراءة القرآن لدى تلقّي الوحي، وظلّ هذا الرأي محطّ العناية طيلة خمسة عشر قرنًا مضى على نزول القرآن. أمّا الآراء الخمسة المتبقية فلا تحظى باتّفاق المفسّرين كلّهم، ولم تكن مطروحة في جميع القرون المنصرمة؛ بل تبنّى بعضها منهج تفسيريّ واحد أو عدد من التفسيرات. وكلّ واحد من الآراء تعانى إشكاليات متعدّدة تعدّر الاعتراف بها. هذه الدراسة المكتبيّة والوصفيّة التحليليّة المقارنة المصحوبة بالنقد العقليّ والنقلّي والتاريخيّ، كما أيّدت نزول القرآن

دفعه واحدة على وفق سورة القدر وغيرها من الآيات والأحاديث المتعلقة، اعتبرت هذا النزول قبيل نزول آيات النهى عن التعجيل فى سورة القيامة، ورأت فى ضوء رواية عن الإمام الصادق عليه السلام أن «النهى عن التعجيل» صدر تنبيهاً، وسبق ارتكاب المنهى عنه من جانب الرسول الأعظم صلى الله عليه وآله ومع الأخذ بعين الاعتبار أن القرآن فى نزوله الدفعى لم يتم إبلاغه. المفردات الرئيسية: آيات النهى عن التعجيل، النزول الدفعى، الوحي، العلم الحضورى، نسيان الوحي.

### المراد بقراءة القرآن فى الآية الأخيرة لسورة المزمل، وحكمها الشرعى

- حميد وحيدان أردكان (طالب دكتوراه فى علوم القرآن والحديث بجامعة فردوسى مشهد)
- حسن نقى زادة (أستاذ بجامعة فردوسى مشهد)
- محمّد حسن رستمى (أستاذ مشارك بجامعة فردوسى مشهد)

أمر المسلمون فى الآية الأخيرة لسورة المزمل بقراءة القرآن. والآراء متضاربة فى تحديد المراد بالقراءة. فمن الباحثين من يرى أن المراد بقراءة القرآن فى الآية هو مطلق القراءة، ولا يراد بها القراءة التى تُعَدُّ من واجبات الصلاة غير الركنية. ومنهم من يرى أن المراد بهذه القراءة هو مطلق القراءة فى الصلوات بما فيها الفرائض والمستحبات. استنبط ثلثة من الأعلام من هذه الآية وجوب القراءة فى الصلوات اليومية، مثل السيد المرتضى، والعلامة الحلي، والمحقق الكركي، وآية الله الخوئي، كما استنبط آخرون منها الأمر باستحباب صلاة الليل. لو دققنا فى دلالة «قيام الليل» واستعمالاته فى النصوص المتقدمة، والمقام وسياق الآية والسورة اتضح أنه لا يمكن التسليم بالأقوال الثلاثة الأولى لأنها تخالف ظاهر الآية وسياق السورة، وتخالف مقام القول والروايات المأثورة. أما القول الرابع فتؤيده أدلة مثل موافقته مع القواعد البلاغية، ومطابقته لسياق الآية والسورة، مقام القول والروايات الشريفة. ويتبين أيضاً أن فعل الأمر المخاطب فى التعبير القرآنى يفيد الاستحباب على خلاف ظاهره. هذا وتتطوى المقالة فى ثناياها على معطيات جديدة ومنها الدراسة فى دلالة «قيام الليل» واستخدامها فى هذا البحث والاستدلال على مقام القول وسياق السورة، وردّ العجز إلى الصدر. المفردات الرئيسية: سورة المزمل، آيات الأحكام، واجبات الصلاة، قيام الليل، قراءة القرآن.